

جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۲، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

## جستاری روایت پژوهانه پیرامون باغ ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها (نمونه موردی: باغ‌های تهران در دوره قاجار)

علی اعطا<sup>۱</sup>، ایرج اعتصام<sup>۲</sup>، آزاده شاه‌چراغی<sup>۳</sup>

### چکیده

عصر قاجار یکی از ادوار مهم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و از نقاط عطف تاریخی است که سیاحان زیادی را روانه ایران کرد. بسیاری از آن‌ها پس از بازگشت به کشورهای خویش، به نگارش خاطرات سفر همت گماشتند که صرف‌نظر از کاستی‌های محتوایی یا روشی، از اسناد معتبر تاریخی به حساب می‌آیند و تصویری از وضعیت آن زمان روایت می‌کنند. سفرنامه‌ها از مهم‌ترین اسناد تاریخ هر جامعه و از منابع دست اول پژوهش به‌شمار می‌روند. هدف از این پژوهش، واکاوی روایت پژوهانه مفهوم «باغ» از نظرگاه متون و سفرنامه‌های دوره قاجار است و سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که «آیا می‌توان با واکاوی روایت‌ها در سفرنامه‌ها و متون دوره قاجار، مفهوم «باغ» را صورت‌بندی کرد؟». این تحقیق به لحاظ «ماهیت پژوهش»، از گونه تحقیقات «کیفی» و به‌لحاظ قصد از پژوهش، «تاریخی-تفسیری» است که به فهم پدیده‌ها بر اساس معانی که آدمیان برای آن‌ها به وجود آورده‌اند، می‌پردازد. راهبرد پژوهش، «روایت‌پژوهی» و از نظر دید شکلی، «تاریخ شفاهی» است. نتایج نشان می‌دهد که دیدگاه اغلب سفرنامه‌نویسان پیرامون مفهوم «باغ» را می‌توان در سه صورت روایت‌گری دسته‌بندی کرد: «روایت باغ‌های اقامتی»، «روایت باغ‌های حکومتی» و «روایت باغ‌های تفرجگاهی». بیشترین اسناد تاریخی - روایی مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه است و از دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه، سفرنامه‌ای یافت نشد. آنچه در میان همه روایت‌ها مشترک است، اهمیت باغ در این دوره تاریخی است، چرا که اکثر متون بر این امر تأکید دارند که حدود دوسوم مساحت شهر تهران در دوره قاجار را باغ‌های بسیار بزرگ تشکیل داده و بیشترین تأکید سفرنامه‌ها بر باغ گلستان بوده است.

**واژگان کلیدی:** باغ، تهران، روایت، سفرنامه، قاجار.

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۵

۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. تهران. ایران

Email: alieta80@yahoo.com

۲ استاد گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. تهران. ایران (نویسنده مسئول)

Email: i.etessam@srbiau.ac.ir

۳ دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. تهران. ایران

Email: a.shahcheraghi@gmail.com

## مقدمه

سفرنامه از مهم‌ترین اسناد موجود برای دسترسی به تاریخ اجتماعی ایران است. ترک وطن و سفر از گذشته‌های دور رخ می‌داده و انسان‌هایی قدری جسورتر به پیروی از میل کنجکاوی یا اغراض دیگر از سرزمین‌های شناخته شده خروج می‌کردند. سفر از اولین راه‌های روبه‌روی و البته شناخت انسان‌ها از سرزمین‌ها و اقوام و تمدن‌های مختلف با هم بود. رفته‌رفته سفر انواع گوناگون یافت و اشخاص و حکومت‌ها با نیت گوناگون بدان مبادرت ورزیدند. تجارت، شناخت اقوام و حکومت‌ها و سرزمین‌های رقیب و دوست و دشمن، پیغام‌بردن و آوردن بین حاکمان، انجام برخی مأموریت‌های سیاسی و حکومتی و حتی گاهی تفریح و ساحت و ارضای حس کنجکاوی شخصی سفرهای زیادی را رقم می‌زد. ایران به دلایل مختلف از جذابیت‌های فرهنگی، سودهای اقتصادی، موقعیت ارتباطی بین دو بخش عمده جهان شناخته شده، و همچنین اهمیت سیاسی ویژه، در مناسبات و رقابت‌های قدرت، همواره مقصد سیاحان بوده است. در عصر قاجار که یکی از مهم‌ترین دوران‌های تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران است، سیاحان فراوانی روانه ایران شدند. البته این تاحدزیادی متأثر از تغییرات جهان غرب و تمایل مفرط آن‌ها برای شناخت عالم بود. برخی از این سیاحان پس از بازگشت از ایران و یا درحین انجام سفر و مأموریت دست به نگارش خاطرات و ضبط مشاهدات خود زده‌اند. این سفرنامه‌ها با وجود نقصان‌های روشی و محتوایی، از مهم‌ترین منابع برای شناخت احوالات ایران در عصر قاجار به‌شمار می‌روند و شیمایی روشن از اوضاع اجتماعی، کیفیت آداب‌ورسوم جاری و حتی دیوان‌سالاری ایرانی می‌سازد. در حال تهران این روزها به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم سیاسی-اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی، محل آمدو شد سران و مقامات کشورها و دیپلمات‌هایی است که برای مذاکره و هم‌اندیشی در موضوعات مختلف به آن سفر می‌کنند. این نخستین‌باری نیست که تهران، این پایتخت ۲۰۰ ساله، شاهد چنین رفت‌وآمدهایی بوده و ریشه‌های آن را باید در روزگار تأسیس حکومت قاجار و انتخاب تهران به پایتختی آن در سال ۱۱۶۴ خورشیدی دانست. آنچه که از رهاورد سفر آنان از وضعیت تهران آن روزها به یادگار گذاشتند، اسناد مکتوب و تصویر دیگری نیز از تهران آن روزها در دسترس است و آن سفرنامه‌هایی است که سیاحان و دانشمندان جست‌وجوگر قرون هجده و نوزده میلادی، از سفر خود به مشرق‌زمین و برای کشف دوباره آن به‌جای گذاشتند؛ سیاحان خستگی‌ناپذیری که به سودای شهرهای

هزارویک‌شبی سرزمین پارس به سوی شرق روانه می‌شدند و از مواجهه با تهران، روستا - شهر نه‌چندان بزرگی که حتی پس از ساخت‌وسازهای عصر صفوی هنوز از لحاظ کالبدی آمادگی پذیرش پایتختی این سرزمین وسیع‌وکهن را نداشت، حیرت‌زده می‌شدند و در بازخوانی این سفرنامه‌هاست که می‌توان لایه‌های پنهان و آشکار زندگی مردمان این شهر را بازشناخت. در این میان، سرسلسله دودمان قاجار برخلاف سنت رایج حاکمان نوظهور سرزمین ایران مانند زند، افشار و صفوی، نه‌تنها شهری بزرگ و آباد را به پایتختی برگزید، که به‌مانند شاه‌عباس اول فرصتی نیز برای برنامه‌ریزی و طراحی پایتخت جدید و بهره‌برداری از آن نیافت و با مرگ زودهنگام خود در سال ۱۱۷۷ خورشیدی، تهران جوان را به میراث به جانشین خود واگذارد. این پژوهش در پی واکاوی روایت پژوهانه مفهوم «باغ» از نظرگاه متون و سفرنامه‌های دوره قاجار است. پرسش اصلی این پژوهش این است که «آیا می‌توان با واکاوی روایت‌ها در سفرنامه‌ها و متون دوره قاجار، مفهوم "باغ" را صورت‌بندی کرد؟». روایت‌گری از اصلی‌ترین شیوه‌های اندیشیدن و اندیشه آدمی، تمام مردم از جمله دانشمندان، فیلسوفان، هنرمندان و محققان رشته‌های مختلف است (مک‌کلاسی، ۲۰۰۹) داستان‌های روایت‌شده ممکن است به‌صورت شفاهی، سرود یا آواز و با استفاده از موسیقی و تصاویر و یا حتی بدون آن‌ها ارائه شود (پلوسکی، ۱۹۹۱).

### پیشینه تحقیق

تحقیقات و مطالعات پیرامون باغ‌های ایرانی در کشورهای دیگر نیز به پیشرفت‌های قابل توجهی رسیده است و حرکتی روبه‌جلو و روزافزون دارد. در میان این مطالعات و آثاری که در این سال‌ها منتشر شده‌اند، می‌توان از کتاب‌های *باغ ایرانی بازتاب بهشت*<sup>۱</sup> نوشته مهدی خوانساری، رضا مقتدر و مینوش یاوری در سال ۱۹۹۸، *جهان یک باغ است: جنبه‌هایی از تاریخ فرهنگی ایران میانه (قرون وسطی)*<sup>۲</sup> اثر ماری ای. سابتلنی که آن نیز در سال ۲۰۰۲ منتشر شد و کتاب *باغ‌های ایرانی - اسلامی نوشته لوئیجی زانگری، نازیکا رحمتی و برونو لورنزی* در سال ۲۰۰۶ نام برد که دارای اهمیت خاصی هستند. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده، پیشینه پژوهش را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

1 The Persian Garden Echoes of Paradise

2 Subtelny, M. (2002). Le monde est un jardin: aspects de l'histoire culturelle de l'Iran médiéval (Vol. 28). Peeters Pub & Booksellers.

۱. پژوهش‌های متعددی که در سال‌های اخیر، پیرامون «باغ ایرانی» از جنبه‌های گوناگون انجام شده است که به برخی از آن‌ها در جدول زیر اشاره شده است.  
جدول شماره ۱: بررسی پژوهش‌های پیشین پیرامون «باغ ایرانی» در سال‌های اخیر. مأخذ: نگارندگان

صاحب‌نظر	اثر	تأکید
شهریار عدل و برنار اور کارد / ۱۳۷۷	تهران، پایتخت دویست ساله (مجموعه مقالات)	کتاب تهران، پایتخت دویست ساله از مراجع ارزشمندی است که پژوهش‌هایی در زمینه شهرسازی، معماری، باغ‌سازی، دولت، فرهنگ و فضاهای مذهبی و نمایی و دیگر مباحث مربوط به شهر تهران را دربردارد. شیوهی تحقیق و مستندسازی در بسیاری از مقالات این کتاب نیز نمونه باارزشی از روشهای علمی امروزی در کار پژوهش‌های تاریخی است.
مهدی خوانساری، محمدرضا مقتدر و مینوش یآوری / ۱۳۸۳	باغ ایرانی بازنمایی از بهشت	این کتاب به بررسی تاریخ میراث باغ ایرانی پرداخته و باغ‌های پادشاهان بزرگ قبل از اسلام و دوره اسلامی و نیز باغ‌سازی قرن نوزدهم را مورد تدقیق و بررسی قرار داده و در نهایت به تجزیه و تحلیل گیاهان استفاده شده در باغ‌های ایرانی می‌پردازد.
سید محمد بهشتی / ۱۳۸۷	جهان باغ ایرانی	نوشتار حاضر به بررسی جایگاه باغ ایرانی در فرهنگ ایرانی، بازخوانی آثار از منظر میراث فرهنگی و حیاط باغ ایرانی پرداخته است.
حسین سلطانزاده ۱۳۷۸/	تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل (آرامگاه بانوی ایرانی تبار)	این کتاب به بررسی باغ ایرانی و تاج محل پرداخته و برخی از خصوصیات باغ ایرانی و تاج‌محل را مورد مطالعه قرار می‌دهد.
مهرداد قیومی بیدهندی / ۱۳۸۷	لایه‌های باغ ایرانی	این مقاله به بررسی مغایرت‌های باغ ایرانی، لایه‌های وجوه گوناگون باغ ایرانی و تحلیل و نقد باغ ایرانی در بستر تاریخ می‌پردازد.
ماریا اوا سابتلی / ۱۳۸۷	باغ ایرانی؛ واقعیت و خیال	این مقاله به بررسی‌های سده‌های میانه باغ ایرانی، سیر معماری با چشم‌انداز شگفت‌انگیز، توصیف چهارباغ و پیوند انسان ایرانی با باغ ایرانی اشاره دارد.
دونالد نیوتن ویلبر / ۱۳۹۰	باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن	بررسی کلی اجزای تشکیل‌دهنده باغ‌های ایرانی، موتیف‌های به کار رفته در باغ‌های ایرانی، نقوش مینیاتوری برگرفته از باغ ایرانی و درک زیبایی با جلوه‌ای از طبیعت باغ‌های ایرانی مواردی است که در این کتاب بدان اشاره شده است.

جستاری روایت پژوهانه پیرامون باغ ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها ...

ادامه جدول شماره ۱: بررسی پژوهش‌های پیشین پیرامون «باغ ایرانی» در سال‌های اخیر. مأخذ: نگارندگان

صاحب‌نظر	اثر	تأکید
لوئیجی زانگری نازیکا ماندانا رحمتی برونا لورنزی / ۱۳۹۱	باغ‌های ایرانی - اسلامی	در این کتاب، ریشه‌های باغ‌های اسلامی در چهارباغ‌های ایرانی قبل از اسلام، تأثیر باغ‌های ایرانی در آثاری چون نقوش برجسته اعم از طراحی باغ‌های ایرانی بر روی فرش و نگاه کلی به باغ‌های ایرانی قبل اسلام و گسترش آن در اسلام مورد بررسی قرار گرفته است.
حشمت‌الله متدین / ۱۳۹۴	لزوم ایجاد باغ ایرانی	این مقاله به بررسی‌احداث شکل‌گیری و گسترش شکوفایی در رسیدن باغسازي و معماری و نیز تأثیر اقلیم و خشک‌سالی در شکل‌گیری باغ ایرانی پرداخته است.
آزاده شاهچراغی / ۱۳۹۵	پارادایم‌های پردیس، درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی	هدف اصلی از نگارش این کتاب، ارائه گزارشی است از جستجوی مؤلف برای بازآفرینی باغ ایرانی متناسب با زندگی امروز، که در سه‌بخش اصلی با عنوانهای «چرایی باغ ایرانی»، «چیستی باغ ایرانی» و «چگونگی بازآفرینی نظام معماری در باغ ایرانی» تقسیم بندی شده است.
خرم‌روئی، ریحانه و امین ماهان / ۱۳۹۹	باغ ایرانی به‌مثابه رسانه‌ای تعاملی	هدف از نگارش این مقاله، نشان‌دادن مفاهیم والای هستی‌شناسانه در باغ ایرانی بوده است که شناخت مخاطب از آن را یک‌گام جلوتر برده و مفهوم رسانه‌ای و ناقل فرهنگ‌بودن در آن بازتعریف شود. در ادامه به چیستی و رابطه علت و معلولی در باغ رسیدگی شده تا با توجه به مفاهیم هستی‌شناسانه باغ، به عمق و ارزش آن پی برده شود.

۲. پیشینه پژوهش‌هایی که از قبل خوانش سفرنامه‌ها صورت گرفته است که در میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول شماره ۲: بررسی پژوهش‌های پیشین پیرامون «خوانش سفرنامه‌ها» در سال‌های اخیر. مأخذ: نگارندگان.

صاحب‌نظر	اثر
حسین میرزایی، جبار رحمانی / ۱۳۸۷	فرهنگ و شخصیت ایرانیان در سفرنامه‌های خارجی
سهیلا صفری / ۱۳۸۸	آرشیو در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار (از ابتدای قاجار تا مشروطه)
رضا رمضان نرگسی / ۱۳۹۰	بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفوی
ویدا نوروز برازجانی و محمدرضا جوادی / ۱۳۹۵	بازایی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک

ادامه جدول شماره ۲: بررسی پژوهش‌های پیشین پیرامون «خوانش سفرنامه‌ها» در سال‌های اخیر.

مأخذ: نگارندگان.

صاحب‌نظر	اثر
شمس‌الدین نجمی، فرهاد دشتکی‌نیا، علی بازرگان‌هرندی / ۱۳۹۵	بازشناسی سفرنامه‌های نویافته از اواخر عصر ناصری (سفرنامه تبریز تا کرمان)
عبدالله متولی، ساره مشهدی‌میقانی / ۱۳۹۶	خلیج فارس و رویکرد سفرنامه‌های خارجی عهد قاجار
نوروز برازجانی / ۱۳۹۷	پردیس شاه فین

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی تاریخی-تفسیری است که از نظرگونه پژوهش، واکاوی روایت‌پژوهانه و از نظر دید شکلی، تاریخ شفاهی می‌باشد. روایت در این پژوهش بر اساس مطالعه متنی‌هایی چون سفرنامه‌ها، رویدادنگارها و روزنوشت‌هایی که فرد یا افرادی آن‌ها را نوشته‌اند، صورت گرفت. همچنین به گردآوری نامه‌های شخصی و اداری و عکس‌های رویدادنگار که یادآور خاطراتی هستند نیز پرداخته شد. در این مرحله همه متون و سفرنامه‌های دوره قاجار جمع‌آوری شد. پس از مطالعه همه آن‌ها، تعدادی که به روایت واژه «باغ‌های تهران» پرداخته بودند، جدا و دسته‌بندی گردید. در گردآوری داده‌ها توجه به گاه‌شماری تجربه‌ها اهمیت دارد، بدین معنی که باتوجه به فرایند زمانی، تجربه‌های فرد از گذشته، حال و نیز احتمال وقوع آن‌ها در آینده که به شکل روایت‌گونه بازنمایی کرده است، از اهمیت بسزایی در پژوهش برخوردار است، لذا مشخص شد که هر متن یا روایت، مربوط به کدام بازه تاریخی و پادشاهی قاجار می‌باشد. پس از مرحله گردآوری به واکاوی و تفسیر متون یعنی قرار دادن متون مورد نظر در چارچوبی معنادار و بازروایت آن‌ها پرداخته شد. بدین منظور ابتدا داده‌های گردآوری‌شده به شکل متون پیاده شده و سپس باتوجه به جنبه زمانی متون به شکل تاریخی، دوره‌های مختلف پادشاهی قاجار تقسیم‌بندی گردیدند. سپس پیوندهای علی میان ایده‌های یافت‌شده برقرار شد تا به طرح‌ریزی تفسیر خود که بازگوکننده ژرفای تجربه‌های بازنمایی‌شده افراد در مورد «بازنمایی باغ در دوره قاجار در تهران» است، دست یابیم.



تصویر شماره ۱: ساختار کلی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

### واکاوی روایت پژوهانه در پژوهش تفسیری-تاریخی

تحقیق تفسیری به‌طور خاص به‌عنوان جستجوی پدیده‌ای اجتماعی-کالبدی در زمینه‌ای پیچیده، با جهت‌گیری تبیینی-روایتی کل‌نگر تعریف می‌شود. پژوهشگر تفسیری باید به تناوب به یافته‌های تحقیق صورتی روایتی دهد و در روند انجام، یافته‌ها را با ذهنی تحلیلی و شیوه‌ای روایتی سازمان دهد. روایت تاریخی نباید ترتیب رویدادها را تغییر دهد، یا ارتباطات درونی منسجم آن‌ها را مخدوش سازد (عینی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۸). پلکینگه‌رن<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) جستجوهای روایت‌پژوهی را از منظر نوع واکاوی به‌کارگرفته‌شده توسط پژوهشگران، به دو گروه مجزا تقسیم می‌کند: واکاوی روایت‌ها<sup>۲</sup> و واکاوی روایت‌پژوهانه<sup>۳</sup> (نوروز برازجانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶-۱۸۷). در واکاوی روایت‌پژوهانه توصیفات از رویدادها گردآوری و پس از شکل‌گرفتن توسط پژوهشگر و انجام تحلیل ژرف هر روایت با استفاده از یک نمودار خطی به‌صورت یک داستان ارائه می‌شود (پولکینگورن، ۱۹۹۵: ۵). اما این راهبرد از دید شکلی نیز به دسته‌های گوناگونی تقسیم شده است. از جمله: زندگی‌نامه‌نگاری<sup>۴</sup>، خودزندگی‌نامه‌نگاری<sup>۱</sup>، داستان تجربه شخصی<sup>۲</sup>،

1 Polkinghorne

۲ Analysis of Narratives: واکاوی روایت‌ها که در آن از استدلال پارادایمی برای خلق توصیف‌هایی از مضامینی

که در میان داستان‌ها وجود دارد.

3 Analysis Narratives

۴ Autobiography: که پژوهشگر در آن تجربه زندگی شخص دیگری را نوشته و ضبط می‌کند. در این مسیر

به‌شکل معمول پژوهشگر روایت را از سوابق و بایگانی و همچنین از منابعی چون مصاحبه‌ها و عکس‌های شخصی

فرد می‌سازد.

تاریخچه زندگی<sup>۳</sup>، تاریخ شفاهی (کرسول، ۲۰۱۲: ۵۰۴). تاریخ شفاهی مستلزم گردآوری تأملات شخصی در مورد رویدادها و علت و معلول‌های آن‌ها از یک یا چندین فرد است. در فرایند پژوهش روایتی، دو موضوع اهمیت دارد: یکی تشخیص مسئله پژوهش؛ جستجو برای فهم و بازنمایی تجربه‌ها از راه داستان‌هایی که فرد یا افراد از زندگی‌شان بازگو می‌کنند و دیگری بازنگری ادبیات پژوهش؛ البته در این مدل پژوهشی به شکل معمول بازنگری ادبیات نقش کم‌رنگی دارد. داستان‌های بازگو شده و تجربه‌های زیسته فرد (افراد)، داده‌ها را تولید می‌کنند (نوروز برازجانی، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

## روایت و روایت‌گری

روایت برابر با فرهنگ تبارشناسی آنلین و ریشه‌های هند و اروپایی فرهنگ آمریکایی هریتیج، تبار نیای کهن هند و اروپایی واژه «نریتو» به «نه» به معنای دانستن می‌رسد. از این ریشه، واژه‌های لاتین «گنُسکو»<sup>۴</sup> و گوتیک «کونان» همچنین انگلیسی «کاگنیشن»<sup>۵</sup> به معنای معرفت و شناخت آمده است. دیگر پیوندهای لغوی این واژه نیز بسیار مهم و گویا هستند: «نومه / گنومه»<sup>۶</sup> یونانی به معنای تفکر و حکم و قضاوت، «نومای / گنومای»<sup>۷</sup> به معنای ذکرگفتن، «گیگنُسکاین» به معنای دانش و دانستن و «کونست»<sup>۸</sup> آلمانی به معنای زیرک و هشیار و همچنین هنر. نشانه‌های امروزی این واژگان را هنوز در زبان انگلیسی در کلمه‌های «نو»<sup>۹</sup> به معنای شناخت و دانش و آگاهی و «نشین»<sup>۱۰</sup> به معنای توجه و آگاهی و «ریکُنایز»<sup>۱۱</sup> به معنای شناخت و بازشناسی و «نریت» به معنای روایت و گفتن آنچه آموختنی و شناختنی است، می‌یابیم.

۱ از سوی افرادی نوشته می‌شود که خود موضوع مطالعه هستند.

۲ Personal Experience Story : مطالعه‌ای روایت‌پژوهانه از تجربه شخصی یک فرد است که به صورت یک

بخش یا چندین بخش با موقعیت‌های خصوصی او یا رسوم همگانی قومی او ارائه می‌شود.

۳ تمامی تجارب زندگی یک شخص را روایت می‌کند. برای نمونه انسان‌شناسان جهت آموختن درباره زندگی شخصی یک فرد در متن فرهنگ مشترک گروهی به این‌گونه پژوهش‌ها رو می‌آورند.

4 Cognosco

5 Cognition

6 Gnome

7 Gnomai

8 Kunst

9 Know

10 Notion

11 Narrate



به این ترتیب روایت به معنای هنر یافتن دانش است و گستره آن از رؤیا، قصه، داستان و رمان تا اسطوره و فیلم و نمایش را دربرمی‌گیرد (نوروز برازجانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶-۱۸۵).

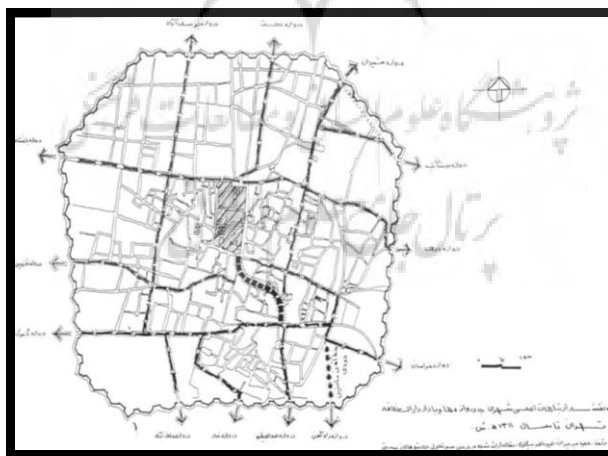
می‌توان گفت حس مکان مجموعه‌ای از حکایت‌ها و روایت‌های فردی و جمعی است که توأم با مکان رخ می‌دهد. در پدیدارشناختی مکان، تجربه اصلی‌ترین رکن در ادراک است. یکی از نقش‌های مهم معماری، تحقق عینی حس مکان است، به گونه‌ای که از طریق چنین حسی، فضای انتزاعی به مکانی ملموس تبدیل شود و شخصیت خود را به دست آورد (فلاح، ۱۳۸۵). درهمه روایت‌ها زاویه دید وجود دارد، تجارب و احساسات شخصیت‌ها از دیدگاه فردی آن‌ها و از زبان راوی بیان می‌شود. تجربه فضایی هر بنایی نیز درهرلحظه، درک پرسپکتیوهای متفاوت از دیدهای گوناگون است. روایت‌ها اعم از اینکه مختص معماری نوشته شده باشند یا نه، برای خواننده یا شنونده یک تجربه فضایی ذهنی به وجود می‌آورند (آنتونیدز، ۱۹۹۲). تمام قصه‌ها دارای زمان، گوینده، ساختار و نقطه نظر معین هستند. کاربردهای روایت در ادبیات (شفاهی و کتبی) شناخته شده است؛ اما کاربردهای آن در علوم به‌خصوص علوم دقیقه و طبیعی برای بسیاری ناشناخته است (نش، ۱۹۹۰: ۳۴) محققان این عرصه معتقدند روایت‌گویی، بنیان روش‌شناختی و معرفت‌شناختی بسیار قوی در حوزه‌های مختلف دارد. اساساً دو راه برای فهم و شناخت چیزها وجود دارد: یکی ساختن استعاره و دیگری گفتن قصه و روایت (ان. مک‌گلو سکی، ۱۹۹۲: ۱۲۳).

### از طهران قدیم تا تهران قاجار

هنگام آبادی شهر ری، تهران یکی از دهکده‌های این شهر به‌شمار می‌رفته است. جغرافی‌نگاران عصر اسلامی پیش از هجوم مغول که (در سال ۶۱۷ هجری اتفاق افتاده) به ری مسافرت کرده‌اند، از تهران به‌عنوان یک دهکده نام برده‌اند. کلمه تهران از دو بخش «ته» و «ران» ساخته شده است که ته، تب، تاب، تاو، تپ و تف همگی به معنی گرم است. کلمات ران، کان، دان، گان، لان، و مان نیز همه پسوند مکانی هستند و تهران هم که در جلگه قرار گرفته و آب‌وهوای آن نیز گرم‌تر از مناطق کوهستانی است، به این اسم نامیده شده و لغت مخالف آن است و در دامنه جنوبی (کاتب، ۱۳۴۷: ۲۰۹). نام تهران برای نخستین بار در یکی از نوشته‌های تئودوسیوس یونانی در حدود اواخر سده دوم پیش از میلاد به‌عنوان یکی از توابع ری ذکر گردیده و

قدیمی‌ترین سند فارسی در مورد تهران نشان می‌دهد که روستای تهران قبل از سده سوم هجری قمری وجود داشته است (قبادیان، ۱۳۸۳: ۵۹-۵۸).

تهران از روزگاران دور مورد توجه شاهان صفوی بود. آن‌ها با ایجاد حصار و خندق و بعضی بناها این شهر را گسترش دادند (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۹۳). آبادی تهران از زمان پادشاهی شاه‌طهماسب اول پادشاه صفوی آغاز گردیده است. و از این تاریخ تهران به صورت شهر درآمد و برای آن چهار دروازه ساختند. این دروازه‌ها عبارت بودند از دروازه ری، دروازه شمیرانات، دروازه قزوین و دروازه دولاب (نجمی، ۱۳۶۸: ۱۳). کریمخان زند در سال ۱۱۷۲ هجری وارد تهران شد و در این شهر به تخت شاهی نشست و در تابستان سال ۱۱۷۳ از شمیران دیدن کرد؛ لیکن در سال ۱۱۷۶ از تصمیم خود منصرف شد و شیراز را پایتخت خود قرار داد (کاتب، ۱۳۴۷: ۲۱۲). چون کریمخان در سال ۱۱۹۳ ه.ق در شیراز درگذشت، آغامحمدخان قاجار که در شیراز بود، خود را به اطراف تهران رسانید و در سال ۱۲۰۰ ه.ق در تهران به پادشاهی نشست و از آن تاریخ تهران رسماً پایتخت شد (ذکا، ۱۳۴۹: ۱۲). در دوره قاجار، ناصرالدین‌شاه برای اینکه شهر از وضع نامناسب خود که مانند شهرهای قرون وسطایی بود، خارج شود و وسعت یابد، دستور داد برای شهر تهران با همکاری مهندسان خارجی نقشه‌ای تهیه کنند و براساس نقشه جدید میرزا عیسی وزیر مأمور شد که برج و باروهای دوران شاه‌طهماسب را درهم کوبیده و برای تهران خندق و دروازه جدید بسازد (نجمی، ۱۳۶۴: ۲۹-۲۸).



تصویر شماره ۲: نقشه دارالخلافة تهران تا سال ۱۳۱۱ ه.ش مأخذ: (نجمی، ۱۳۶۴: ۲۹-۲۸).

## مروری بر تاریخ قاجار

پیش از ورود به واکاوی سفرنامه‌های دوره قاجار، تدقیق پیرامون ساختار اجتماعی حاکم بر جامعه در عصر قاجار و مدت زمان سلطنت پادشاهان قاجار امری اجتناب‌ناپذیر است تا از این رهگذر بتوان به هر سفرنامه در زمان خود نگریست.

جدول شماره ۳: مروری بر تاریخ قاجار، مأخذ: نگارندگان.

پادشاهان	بیوگرافی	دوران سلطنت
آغامحمدخان <sup>۱</sup>	۱۱۷۶-۱۱۲۱ ش/۱۷۹۷-۱۷۴۲ م	۱۱۷۶-۱۱۷۵ ش/۱۷۹۷-۱۷۹۶ م
فتحعلی‌شاه <sup>۲</sup>	۱۲۱۳-۱۱۵۰ ش/۱۸۳۴-۱۷۷۲ م	۱۲۱۳-۱۱۷۶ ش/۱۸۳۴-۱۷۹۷ م
محمد شاه <sup>۳</sup>	۱۲۲۷-۱۱۸۷ ش/۱۸۴۸-۱۸۰۸ م	۱۲۱۳-۱۲۶۴ ش/۱۸۴۷-۱۸۳۴ م
ناصرالدین‌شاه <sup>۴</sup>	۱۲۷۵-۱۲۱۰ ش/۱۸۹۶-۱۸۳۱ م	۱۲۷۵-۱۲۲۷ ش/۱۸۹۶-۱۸۴۸ م
مظفرالدین‌شاه <sup>۵</sup>	۱۲۸۵-۱۲۳۲ ش/۱۹۰۷-۱۸۵۳ م	۱۲۸۵-۱۲۷۵ ش/۱۹۰۷-۱۸۹۶ م

۱ وی مؤسس سلسله قاجاریه است که تا سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م در ایران دوام یافت. آغامحمدخان فرزند محمدحسن‌خان قوانلو رئیس دسته «اشاقه‌باش» از ایل‌های قاجار و ساکن دشت گرگان مشهور به «قاجار قویونلو» (قوانلو) بود (شمیم، ۱۳۸۴: ۳۴)

۲ فتحعلی‌شاه پسر حسین‌قلی‌خان جهانسوز، دومین پادشاه سلسله قاجار است. وی برادرزاده آغامحمدخان است و پیش از جلوس به تخت سلطنت «باباخان» نام داشت. آغامحمدخان او را طرف توجه قرار داد و ولیعهد خود کرد و در تاریخ ۲۴ ربیع‌الاول ۱۲۱۲ ق/ ۱۶ سپتامبر ۱۷۹۷ (و یا ۲۱ ذی‌الحجه ۱۲۱۲ ق/ مه ۱۷۹۸ م) رسماً به نام «فتحعلی‌شاه» در تهران تاجگذاری کرد (اقبال، ۱۳۷۰: ۷۶۵).

۳ پس از فتحعلی‌شاه، محمدشاه فرزند عباس‌میرزا و ولیعهد وی به سلطنت رسید و طی ۱۲ سال سلطنت چند عمارت در تهران و شمیران بنا گردید که مجلل‌تر از همه کاخ محمدیه بود که هنوز تالار آن در باغ فردوس شمیران باقی است و از معماری‌های اوایل دوره قاجار محسوب می‌گردد (کاتب، ۱۳۷۴: ۲۱۶).

۴ پس از محمدشاه در زمان ناصرالدین‌شاه تغییرات کلی در تهران به‌وجود آمد و شهر وسیع‌تر و پرجمعیت‌تر گردید و در عهد وی در دارالحکومه تهران اداره‌ای به نام امور احتسابیه برای اداره امور شهر تهران تأسیس گردید. وظایف اداره امور احتسابیه رسیدگی به امور نظافت و رفت‌وروب و اداره ارزاق عمومی و روشنایی شهر بود (کاتب، ۱۳۴۷: ۲۱۶).

۵ سرانجام ناصرالدین‌شاه به دست میرزای کرمانی و به فتوای جمال‌الدین اسدآبادی کشته شد. پسر ۴۵ ساله و مریض‌حال او مظفرالدین از تبریز به تهران آمد و اتابک (امین‌السلطان) به نخست‌وزیری رسید که به‌زودی جای خود را به عین‌الدوله داد. در دوره دوم نخست‌وزیری اتابک بود که جنبش مشروطه پیرو بحران تنباکو به پیروزی رسید و در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ به امضای شاهی رسید که سه روز بعد درگذشت. پسر او محمدعلی میرزا با آزادی و

ادامه جدول شماره ۳: مروری بر تاریخ قاجار، مأخذ: نگارندگان.

پادشاهان	بیوگرافی	دوران سلطنت
محمدعلی‌شاه <sup>۱</sup>	۱۲۵۱-۱۳۰۴ ش / ۱۸۷۲-۱۹۲۵ م	۱۲۸۸-۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۹-۱۹۰۷ م
احمدشاه <sup>۲</sup>	۱۳۱۴-۱۳۴۸ ش / ۱۸۹۸-۱۹۳۰ م	۱۳۰۴-۱۲۸۸ ش / ۱۹۲۵-۱۹۰۹ م

### روایت باغ ایرانی دوره قاجار: مستخرج از متون و سفرنامه‌ها

اولین سفرنامه‌های خارجی‌ها درباره تهران به پیش از آنکه تهران پایتخت شود و حتی دیواری دور آن کشیده شود، برمی‌گردد. کلاویخو<sup>۳</sup>، که از سوی هانری سوم پادشاه کاستیل اسپانیا سفیر دربار تیمور بود، احتمالاً اولین اروپایی بود که به تهران آمد. او در سال ۱۴۰۴ میلادی در سفر خود درباره تهران می‌گوید که «تهران دارای باغ‌های بسیار بزرگ و خرم و دلگشایی است» و نیز گوید «هنگام فرونشستن خورشید، در ده کیلومتری تهران، خانه‌ها را تهی از مردم و ویران دیدم، ولی هنوز بسیاری از برج‌های شهر برپا بوده و همچنین مسجدهای فروریخته نمودار بود. در این زمان تهران دیوارکشی نشده بود.» او می‌نویسد: «شهر تهران محلی است بسیار پهناور و بر گرد آن دیواری نیست و جایگاهی خرم و فرح‌زاست که در آن همه وسایل آسایش یافته می‌شود. اما آب‌وهوای آنجا چنان‌که می‌گویند ناسالم و در تابستان گرمای آن بسیار زیاد است» (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۷۶). (تصویر ۳)

مشروطه میانه‌ای نداشت و فتوای کشتار مشروطه‌خواهان را از شیخ‌فضل‌الله نوری گرفت و به کمک فرماندار نظامی روس تهران کلنل لیاخوف مجلس را به توپ بست (عاقلی، ۱۳۸۰).

او ششمین پادشاه از دودمان قاجار بود و در ۱۲۸۵ شمسی به سلطنت رسید و تا سال ۱۲۸۸ که مجبور به برکناری شد حکومت کرد. محمدعلی‌شاه از مخالفان مشروطه بود و مجلس شورای ملی را به توپ بست و آزادیخواهان را به قتل رساند. او پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، به سفارت روسیه در تهران پناهنده شد و با فشارهای داخلی و خارجی مجبور به ترک ایران شد. مشروطه‌خواهان پس از وی، پسر خردسالش احمدشاه را به سلطنت انتخاب کردند. محمدعلی‌شاه وابستگی زیادی به دولت روسیه داشت. در دوره پادشاهی او، سوء قصدی علیه او شد که نافرجام ماند. محمدعلی‌شاه در سال ۱۳۰۴ در ایتالیا درگذشت (کسروی، ۱۳۱۹).

پس از تبعید محمدشاه، احمدمیرزا پسر کوچک شاه در بدترین دوره از تاریخ (دوران جنگ اول جهانی) به پادشاهی رسید و ایران با بحران‌های فراوانی روبه‌رو گشت. در سال ۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله نخست‌وزیر برادر قوام‌السلطنه که بیش از هر فردی (۶ بار) به نخست‌وزیری رسیده است، در ۹ آبان ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م بنا بر ماده واحدهای، دودمان قاجار پس از بیش از ۱۴۰ سال به پایان رسید. احمدشاه در ۱۳۴۸ ش در ۳۲ سالگی درگذشت (عاقلی، ۱۳۸۰).



تصویر شماره ۳: تهران ترسیم شده توسط کلاویخو. مأخذ: (کلاویخو، ۱۳۸۴).

### در بدو ورود به دوره قاجار (۱۱۷۶-۹۹۸ ش / ۱۷۹۷-۱۶۱۹ م)

تهرانی که بیشتر مساحتش را باغ تشکیل می‌داد و جمعیتش بسته به بودونبود شاه کم‌وزیاد می‌شد؛ در اوایل دوره قاجار تنها در یکجا نبضش می‌زد و آن بازار بود. تهران حتی از پیش از دوره صفوی مسافرانی داشته است که به واسطه نزدیکی به شهر ری به آن سر می‌زدند. اما از زمان قاجار، که شهر به پایتختی برکشیده شد، تعداد مسافران به‌طور چشمگیری افزایش یافت. تعدد سفرنامه‌های خارجی‌ها در این دوره نمایانگر این حقیقت است. در این بخش از پژوهش حاضر، تهران از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجار را از نظر می‌گذرانیم. از اولین جهان‌گردانی که در دوره تولد حکومت قاجار به تهران وارد شدند، پیتر و دلاواله<sup>۱</sup> ایتالیایی است. پیتر و دلاواله ایتالیایی، که در سال ۹۹۸ ش/ ۱۶۱۹ م به ایران سفر کرده، از تهران گذشته می‌نویسد: «من مایل شدم به دیدن شهر تهران بروم و بدین‌قصد از میان اردو عبور کردم و باوجودی که مردم تهران به خارجی‌ها جانمی‌دهند، محل دل‌چسپی در یکی از باغات پیدا کردم و در سایه درختان به خواب خوشی فرورفتم؛ بانو معانی نیز بعداً رسید و به استراحت پرداخت» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۳۱). «تهران از کاشان بزرگ‌تر اما جمعیتش کمتر است. یک‌سوم زمین‌هایش داخل حصار مسکونی و دوسوم دیگر آن را باغ تشکیل داده. هسته مرکزی تهران همین ارگ بوده و کل شهر چنارستانی است که قصر سلطنتی را احاطه کرده است» (حسن‌بیگی،

۱۳۷۷: ۳۹). «تهران شهر بزرگی است که از قزوین وسیع‌تر است، ولی عده کمی در آن ساکن هستند. تمام این شهر از باغ‌های بسیار بزرگی پوشیده شده و همه‌رقم میوه در آن‌ها یافت می‌شود، منتهی به علت گرمی هوا صبح خیلی زود باید آن‌ها را بچینند و برای فروش به اطراف بفرستند. تهران پایتخت ایالتی است که به‌همین نام خوانده می‌شود و مقرّ خان است. این شهر بر سر راه فیروزکوه واقع شده و خیابان‌های آن از نهرهایی که تعداد آن‌ها فوق‌العاده زیاد است، سیراب می‌شود و همین نهرهای پهن و باریک و کوتاه و طویل، برای آبیاری باغات نیز مورد استفاده واقع می‌شوند. خیابان‌ها پر از درخت‌های چنار است که همه پُربُرج و قطور و زیبا هستند و باید بگویم که در تمام مدت عمر خود هیچ‌وقت تعداد به این زیادی چنارهای تنومند زیبا ندیده‌ام. تنه این درختان به اندازه‌ای قطور است که اگر دو مرد دست‌به‌دست یکدیگر بدهند، نمی‌توانند یکی از آنان را در بغل بگیرند و من باید واقعاً تهران را شهر چنار بنامم. از این گذشته، عمارت یا چیز زیبای دیگری در این شهر نیست»<sup>۱</sup> (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۳۱).

توماس هربرت<sup>۲</sup> در سال ۱۰۰۶ ش / ۱۶۲۷ م از باغ کاخ گلستان<sup>۳</sup> دیدن کرد و اندازه باغ را قابل مقایسه با اندازه شهر دانست و گفت در دیوارهای بلند کاه‌گلی محصور است.

### آغامحمدخان قاجار (۱۱۷۶-۱۱۷۵ ش / ۱۷۹۷-۱۷۹۶ م)

آنتوان گیوم لیونه<sup>۱</sup> ۱۱۷۶ ش / ۱۷۹۷ م که در زمان مرگ آغامحمدخان از تهران دیدن کرده بود، می‌گوید: «انگار شهر جدیدی بود که هیچ‌کس را برای سکونت به سمت خود جذب نمی‌کرد.

۱ همچنین اولیویه تأکید می‌کند که پیترو دلاواله که در سال هزار و ششصد و هیجده میلادی [۱۰۲۸ق] از تهران گذشته، چنین گفته است که این شهر وسیع و بسیار بزرگ است، اما جمعیت کمی دارد. اکثر محله این شهر، باغستان است که درخت‌های میوه دارد. از هر قبیل (درخت)، در آن بی‌نهایت کاشته‌اند. تمامی کوچه‌ها آب جاری دارد و از سایه درخت‌های چنار پوشیده است. به همین واسطه این شهر را «شهر چنار» نامیده‌اند. غیر از این چیزی که سزاوار ذکر باشد در این شهر دیده نشد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۸).

#### 2 Thomas Herbert

۳ در سمت شرقی ارگ و در محدوده‌ای که به‌طور تقریبی بیش از یک‌سوم فضای ارگ را دربرمی‌گرفت، دارالحکومه و محل سکونت شاه قرار داشت. فضایی وسیع با حیاط‌های کوچک و بزرگ که بناهای متعدد و متنوعی را شامل می‌شد. موقعیت محل سکونت دربار در محدوده ارگ تهران نشان می‌دهد که منزلگاه حکومتی نیز مانند تمام خانه‌های سنتی ایران از دو بخش بیرونی و اندرونی شکل گرفته بود. برای ورود به آن سردرها و ورودی‌هایی تعبیه شده بود که دسترسی به بخش‌های متنوع آن را ممکن می‌ساخت. با بسته‌شدن سردرها، خانه‌ای مستقل، اما بزرگ و مجلل را در دل حصار ارگ تاریخی پدید می‌آورد (گلشن، ۱۳۷۴: ۳۶).

۷,۵ کیلومتر مربع مساحت داشت، اما فقط نصف آن توسعه یافته بود. فقط کاخ و باغ‌هایش، یک‌چهارم شهر را اشغال کرده بودند. کاخ، از طریق خیابان‌ها به دروازه‌های شهر وصل بود. دیگر راه‌ها باریک و اکثراً بن‌بست بودند». عمده اقدامات آغامحمدخان در رفع ویرانی‌های دوره استقرار افغان‌ها در این شهر و آبادانی ارگ دولتی و احداث برخی باغات و ابنیه حکومتی بوده است. او پایتخت خود را در این شهر قرار داد، به جهت سهولت امر مسافری، کاروانسراهای خوب و مکان‌های مرغوب در آن بنا کرد. چنان‌که امروزه این محوطه بهترین شهرهای مملکت ایران شمرده می‌شود. ارگ و عمارت شاه‌ی، کمال وسعت و نیکویی عمارت و زینت باغ و فراوانی آب را دارد. این ارگ در طرف شمالی شهر واقع شده و به قدر ربع شهر بزرگی دارد و مانند خود شهر مربع‌الشکل، با دیوارهای بلند و عریض، و با خندقی پهن و عمیق، مصون و محفوظ است. تمامی این حصار از گل ساخته شده بود. باغ‌های وسیع، مشحون به اشجار مثمره در آن بسیار است و در وسط هر ضلعی از حصار، دروازه‌ای ساخته‌اند که به هنگام ضرورت و محاصره، به وسیله برج‌های گرد و مدور که به قدر سیصد قدم بیشتر است، و دو سه اراده توپ در آن‌ها توان جای داد، شهر و دروازه‌ها محفوظ می‌مانند» (اولیویه، ۱۳۷۱، ۶۹-۶۸). وی در جای دیگری می‌گوید: «دو ساعت بعد از ظهر به عمارت وی بار یافتیم. گفتند به حضور شاه رفته‌اند. ما را به جهت انتظار به باغی داخل کردند که درختی نداشت و چمن بود و گل‌های خوب کاشته بودند. بعد از آنکه پنج - شش دقیقه در اینجا تفرج کردیم، از یکی از صاحب‌منصبان دارالوزاره که به همراه بود، جويا شدیم که آیا غیر از این باغ که به آتش آفتاب بسیار گرم است، در جای دیگری نمی‌شود، جناب وزیر را منتظر شد. گفت: بسته به میل خودتان است. هر جا که میل داشته باشید، می‌رویم. پس ما را به تالاری برد، و آن تالار بسیار وسیعی بود که از دو جانب شمال و جنوب گشوده، و به جهت جریان هوا خنک بود، اما زینت زیادی نداشت. در وسط، حوضی بزرگ و بیضی‌الشکل از مرمر سفید بود که فواره داشت و قدر پنج-شش قدم، آب بازور بالا می‌جست. غیر از باغی که ذکر شد، باغی دیگر نیز در جانب جنوب بود که بسیار وسیع به نظر آمد. در این باغ خیابان‌های مستقیم و گل‌های رنگارنگ و درخت‌های موزون دیدیم که در کمال اهتمام و نهایت تناسب کاشته بودند. آب‌های روان به قسمی در اینجا جاری و مستقیم بود که مایه حسن و طراوت باغ می‌گردید» (همان: ۹۷).

### فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۳-۱۱۷۶ ش / ۱۸۳۴-۱۷۹۷ م)

در دوره حکومت طولانی فتحعلی‌شاه، مهم‌ترین اقدامات کالبدی در تهران، ساخت کاخ‌باغ‌های جدیدی مانند «نگارستان» در محدوده بهارستان فعلی و «تخت قاجار» در محل باغ‌موزه قصر فعلی و خارج از محدوده شهر بوده است که تا به امروز تأثیری ماندگار در ساخت کالبدی تهران داشته و جهات توسعه تهران را در دوره ناصری هدایت کرده است و از سوی دیگر واجد نوآوری‌هایی نیز در حوزه باغ‌سازی ایران است که به‌شدت مورد تحسین مشاهده‌گران غربی در دوره ناصری قرار گرفته است.

پیر آمده ژوبر<sup>۱</sup> فرانسوی در سال ۱۱۵۴ ش / ۱۷۷۶ م از ساده‌بودن ساختمان‌های تهران نوشته: «برج و باروی تهران به نظرم خیلی متوسط آمد. هیچ‌گونه ساختمانی که بتوان آن را با بناهای اصفهان مقایسه کرد، در آن نبود. کاخ‌ها و باغ‌های شاه خیلی وسیع است، اما خانه‌های بزرگان کشور هیچ‌گونه نمایی ندارد. ایرانیان بیشتر به درون خانه علاقه‌مندند و به آرایش بیرون آن توجهی ندارند. ساختمان‌های قصر قاجار در باغ، با زینت‌های باشکوهی آرایش یافته و در آنجا اسلیمی‌هایی می‌بینم که در کمال ظرافت نقاشی کرده‌اند» (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۸). «پیش از پایان بار، فتحعلی‌شاه فرمان داد که همه باغ‌های کاخ را به من نشان بدهند و چنانکه به من اطمینان دادند این گونه لطف را تاکنون به هیچ‌بیگانه‌ای نشان نداده است. همان‌لحظه مرا به تماشا بردند. یک پرچین خیلی کلفت و دیوارهای آجری این محل را احاطه کرده بود. از هرطرفی که چشمانم را می‌چرخاندم به جز درخت‌ها یا درختچه‌های پر از گل نمی‌دیدم، در این باغ دلپذیر هرچیز روح را نوازش می‌داد، خیابان‌های کوچک زیبای چنار با بته‌های گل سرخ و یاس و چمپا ماریپچوار به هرسو می‌رفت و با حوض‌های بزرگ مرمر آراسته شده بود که از میان آن‌ها پیوسته فواره‌ها پیش می‌پرید و مانند باران بر مرز گلکاری باغچه‌ها می‌ریخت، چنار، نارون، بامردختی و گل صد تومانی درهم‌وبرهم کاشته شده و تشکیل پیشه‌هایی را می‌دادند. جوپارهایی که با تردستی در جوی‌ها روان کرده بودند، پیوسته سبب رشد مجموعه نباتات نیرومند می‌شدند. در قفس‌های بزرگ که در زیر انبوه برگ‌ها نهفته‌اند، بسیاری پرندگان در آن‌ها پنهان شده بودند، باری لاله‌ها، نرگس‌ها، گل شقایق نعمانی، میخک و گل‌های گوناگون که در

1 Pierre Amédée Emilien Probe Jaubert



آب و هوای ما کمیاب است در میان چمنزار که مانند فرشی زمردین است به‌طور پراکنده روییده شده و چشمان بیننده را از تابش رنگ‌های خود محظوظ می‌گرداند و هوا را از بوی خوش خود معطر می‌سازد. نخستین چیزی که به چشم خورد، یک کوشک بود که ساختش سبک و توی چشم‌برو بود. بر روی چوب با رنگ‌های خیلی تند نقاشی کرده بودند و از شبکه‌های زرینی آراسته گردیده بود که از دور شعاع آفتاب را منعکس می‌ساخت. درختان صنوبر خرم از سوی دیگر این کوشک را احاطه کرده بودند (همان: ۱۸۱-۱۸۲).

ارنست ژوبر فرانسوی<sup>۱</sup>، فرستاده ناپلئون بناپارت که در دوره فتح‌علی‌شاه در سال ۱۱۸۵ ش/ ۱۸۰۶ م در تهران اقامت داشته است. او دربارهٔ برج‌وباروهای تهران در آن زمان در خاطراتش نوشته است: «برج‌وباروهای تهران به‌نظر من خیلی متوسط آمد و هیچ‌گونه ساختمانی که بتوان آن را با بناهایی سنجید که می‌گویند زینت‌بخش اصفهان است، در آن وجود ندارد اما کاخ‌ها و باغ‌های شاه خیلی وسیع است. نزدیکی تهران به مازندران که مردم آن به قاجاریان علاقه‌مند بودند، سبب شد که در سال ۱۷۹۴ میلادی، آغامحمدخان تصمیم بگیرد مقر خودش را در این شهر استوار کند و برای آن برج‌وبارو بسازد. با این‌همه، می‌توان باور کرد که این شهر تا وقتی من در آنجا می‌زیستم چندان پیشرفتی نداشته و جمعیتش بیش از ۳۰ هزار نفر نبود.

جرج کیپل انگلیسی که در سال ۱۲۰۳ ش/ ۱۸۲۴ م از میدان دیدن کرد، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «ما به مدت یک ساعت کاخ و باغ را به‌طور دقیق و رانداز کردیم. دروازه به میدان بزرگی باز می‌شود که توپ‌های متعددی در اندازه‌های مختلف در آنجا قرار دارند. در وسط میدان، توپ عظیمی قرار دارد که از غنایم پیروزی بر لطف‌علی‌خان زند است. بالای هر چهار دروازه تصاویر بزرگ و عجیبی وجود دارد؛ یکی از آن‌ها تصویر رستم در جدال با دیو سفید را نشان می‌دهد» (کیپل، ۱۸۲۷).



میدان ارگ

تصویر شماره ۴: تصویر ترسیمی میدان ارگ توسط کپل، ورودی به باغ و کاخ شاهی، مأخذ (کپل، ۱۸۲۷).

### محمدشاه (۱۲۱۳-۱۲۶۴ش / ۱۸۴۷-۱۸۳۴م)

در دوره محمدشاه قاجار نیز تحول جدی در سازمان فضایی تهران مشاهده نمی‌شود و توصیفات تهران در سفرنامه‌ها همچنان مشابه دوره پادشاه گذشته است. اوژن فلاندن فرانسوی که به همراه هیئتی در سال ۱۲۱۷ ش / ۱۸۳۸ م از تهران بازدید کرده است، در کتاب خود به نام سفر به ایران، روایتی دقیق به همراه تصاویری بی‌نظیر از تهران به دست می‌دهد: «وسعت و اهمیت تهران، در نظر افراد این هیئت، به اندازه تبریز و اصفهان نیست. شش-هفت باب مسجد، سه یا چهار مدرسه، یک‌صد حمام، نزدیک به یک‌صد باب کاروانسرا، تعدادی دکان بدقواره و کثیف و دیواری طولانی با آجرهای زردرنگ در دورتادور شهر، با شش دروازه»، توصیفی مختصر و گویا از وضعیت پایتخت حکومت محمدشاه غازی توسط فلاندن است. فلاندن<sup>۱</sup> ۱۲۱۹ش / ۱۸۴۰ م همچنین بعد از بازدید اجمالی از این شهر، جمله درخور تأملی در سفرنامه‌اش درباره‌ی شهر و ارگ حکومتی می‌گوید: «تنها بخش قابل توجه شهر ارگش است که در مرکز آن قرار گرفته و با دیوارهای محکم و چاله‌ها و پل‌هایش از بقیه جاها جدا شده است. اینجا، شاه کاخی در باغ ساخته که نه تنها خود و خویشانش بلکه درباریان و محافظانش نیز در آن زندگی می‌کنند. درون قصر از چندین بنا یا کلاه‌فرنگی تشکیل شده که هر یک باغی بزرگ با درخت و حوض دارد و دری که از میدان شاه به قصر وارد می‌شود، "درب سعادت" نامیده می‌شود. بالای این سردر، سالنی ساخته شده که محل نشیمن شاه در موقع تماشای حرکات نظامی یا اعیاد است. در سمت

1 Eugene Flandin

راستش، باغ‌های متعددی است که درختان بلند قامت دارند. در یک فرسخی تهران قصری جهت تابستانش برپا نموده است که نامش "قصر قجر" یا "تخت قجر" می‌باشد، سطح این قصر بزرگ و قابل توصیف است. باغاتی برای آمفی تئاتر و چندین طبقه مهتابی که پلکان‌هایی متعدد دارد که قصر را از پارک جدا می‌سازند. منازل قصر قجر، آئینه و نقاشی‌ها دارند و چند تصویر از شجاعان ایران رستم، افراسیاب، تیمور و چنگیز در آن‌ها موجود است. این قصر امروز بسیار خوب و مورد پسند ما نیز واقع گشت. قابل سکونت پادشاه هم می‌باشد ولیکن محمداشاه که بیشتر به آب‌وهوای شمالی علاقه دارد این محل را رها کرده و در ساحل جویباری کوچک به دامنه شمیران بنائی جهت خود نموده است» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۶۲-۱۶۱).



تصویر شماره ۵: تصویر سمت راست: باغ ترسیم شده توسط فلاندن، تصویر سمت چپ: تصویر قصر قجر ، ماخذ: (فلاندن، ۱۳۵۶).

### ناصرالدین شاه (۱۲۲۷-۱۲۲۷ ش / ۱۸۹۶-۱۸۴۸ م)

ناصرالدین شاه اقدامات اصلاحی خود را در دو حوزه معماری و شهرسازی و به موازات یکدیگر سامان بخشید. در حوزه معماری وی با آگاهی از تحولات معماری و شهرسازی معاصر غرب و نیازهای فضایی خویش، دستور ساخت ابنیه‌ای را داد که با نظر به ظرافت و خلاقیت طراحان و سازندگان، در ادغام مفاهیم معماری ایرانی و غربی مورد توجه سیاحان قرار می‌گرفت. هانری بندر در سال ۱۲۲۷ ش / ۱۸۴۸ م می‌نویسد: «چندین حیاط آجر فرش را که مزین از اشجار و گل‌های رنگارنگ بودند و حوض‌های بزرگ و فواره‌های متعدد داشتند، طی نمودیم و به طاقی رسیدیم که از آنجا تمام رفت و آمد و دفیله را می‌دیدیم» (بندر، ۱۳۱۹: ۳۴۸). «اغلب شاه، عصرها برای تفریح با چندسوار به آنجا تشریف می‌برد. در پایین دوشان تپه، باغ بزرگی است - به نام عشرت‌آباد - که اشجار مرغوب و انهار خوب و حوض‌های مملو از آب دارد و همچنین

چند شیر و ببر قیمتی در اطاق‌های مخصوص در این باغ، وجود دارد و از قرار معلوم سابق بر این کرگدنی در این باغ بوده که شاه او را خیلی دوست داشته است (همان: ۳۷۰).



تصویر شماره ۶: باغ عشرت‌آباد. مأخذ: (بندر، ۱۳۱۹: ۳۷۰)

از خلال سفرنامه کنت دوگوبینو<sup>۱</sup> ۱۲۳۷-۱۲۳۴ ش / ۱۸۵۸-۱۸۵۵م می‌توان گزارشی از جامعه ایران عصر ناصرالدین‌شاه رسید: «اقامتگاه ما بزرگ و زیبا است. البته عمارتی مرمرین نیست؛ چون چنین بناهایی در ایران وجود ندارد. ساختمان با خشت ساخته شده و در آن ردیف‌هایی از آجر به کار رفته است. پس از عبور از زیر یک طاق گنبدی که در دو طرف آن اتاق‌های مستخدمین و نگهبانان مأمور حفاظت سفارتخانه قرار دارد، از یک دالان می‌گذریم و به حیاط چهارگوشه‌ای می‌رسیم که شکل زیبایی دارد. در وسط آن حوضی به شکل T ساخته شده که ضلع فوقانی آن در برابر عمارت اصلی قرار گرفته است و در دو سوی ضلع تحتانی آن دو ردیف چنار و باغچه‌هایی پرگل و درخت وجود دارد. کف حیاط با آجرهای مربع بزرگ فرش شده است. ساختمان‌های فرعی گرداگرد حیاط، سه - چهار پا از سطح زمین بلندتر و یک طبقه است. این‌ها عبارت از یک ردیف اتاق‌هایی است که بیشتر به خدمتکاران اختصاص دارد. در قسمت علیای حیاط، یعنی در طبقه همکف عمارت اصلی، تالار واقع شده که سه پنجره به سبک اروپایی رو به حیاط دارد و در دو سوی آن دو کلاه‌فرنگی دارد که تاقچه‌های بیرونی آن با مقرنس تزیین‌کاری‌های با سلیقه ایرانی تزیین شده است. ایوان‌های وسیع با کف خاکی دورتادور حیاط را فرا گرفته و ساختمان‌های فرعی را از نظر می‌پوشاند. اندرون در جوار ساختمان اصلی گرداگرد یک حیاط مجزا با باغچه‌های بزرگ پرگل قرار گرفته که تنها عیب آن نداشتن درخت

1 Joseph Arthur de Gobineau

است، ولی می‌شد کاشت و همین کار را ما به زودی کردیم و بالاخره برای پایان‌دادن به شرح و وصف اقامتگاه‌مان اضافه می‌کنم که محل وسیعی را در سالم‌ترین نقطه شهر اشغال کرده است. آب به حد وفور وجود دارد و در فاصله پنج دقیقه‌ای دروازه شمیران واقع است که به کوه‌های شمال شهر راه دارد. بنابراین در جای بسیار خوبی مستقر شده بودیم (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۷). پس از آنکه از چند حیاط و دهلیز عبور کردیم، به آستانه باغی مملو از درختان چنار و گل و استخری با آب جاری رسیدیم. ساختمان‌های کاخ که گرداگرد این باغ قرار گرفته‌اند، دو یا سه طبقه‌اند و طبقات همکف آن با یک‌سری نقاشی به اندازه طبیعی تزیین شده که سربازان دولتی را با اونیفورم‌های صورتی و اسلحه‌به‌دوش و خنده‌برلب نشان می‌دهد» (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

هاینریش بروگش<sup>۱</sup> در بهار سال ۱۲۳۹ ش / ۱۸۶۰ م برای نخستین بار وارد پایتخت ایران شد. وی می‌نویسد: «شهر که به شکل دوزنقه بنا شده بود، دارای مساحت نسبتاً کوچکی بود و جمعیتش که در آن تاریخ به یک‌صد هزار نفر می‌رسید، در خانه‌هایی کوچک و نزدیک به هم به‌صورت فشرده زندگی می‌کردند. تنها معدودی درخت و باغ‌های سبز - متعلق به ارگ سلطنتی - اندکی از چهره عبوس دیوار خاکی رنگی که به دور پایتخت کشیده شده بود، می‌کاست. شاه پس از مراجعت از سفر اروپا، یا به قول ایرانیان «فرنگستان»، تصمیم گرفت پایتخت را توسعه دهد و خیابان‌ها را عریض کند و نور و هوا را وارد کوچه‌های تنگ و تاریک نماید و همچنین با احداث باغ‌ها و بولوارهای جدید امکان گردش در زیر سایه درختان پرشاخ و برگ را برای اهالی شهر فراهم سازد. تعدادی از رجال (به اصطلاح ارکان مملکت) با ساختن عمارت‌ها و باغ‌های جدید، پیشگام سایر شهروندان شدند و تا آنجا که آب هوا و آداب و رسوم اجازه می‌داد، از شیوه معماری اروپایی استفاده کردند. امروزه ساختمان‌های قشنگ و زیبایی که تعدادی از آن‌ها دو طبقه و دارای بام سفالی یا شیروانی است، در گوشه‌وکنار شهر دیده می‌شود، اما بیشتر این عمارت‌ها را در وسط باغ‌های بزرگ و باصفایی که با معیارهای اروپا نیز از هر حیث کامل و زیبا هستند، احداث کرده‌اند (همان، ۸۲). درختی که بیش‌ازهمه به باغ‌های تهران زیبایی بخشیده، درخت چنار است. این درخت با تنه قطور و بلند و شاخه‌های پیچ‌درپیچ و برگ‌های زمردینش، سایه واقعاً مطبوعی دارد. در باغ‌های ایران، حوض‌های بزرگی وجود دارد که درون‌شان پر از ماهی‌های قرمز و طلایی است و در وسط‌شان فواره‌ای نصب شده است. در این

1 Heinrich Karl Brugsch

باغ‌ها آبشارهای مصنوعی و جوی‌های عریضی تعبیه می‌کنند و آن‌ها را با کاشی‌های پرنقش‌ونگار می‌پوشانند، درختکاری‌ها و گلکاری‌ها چشم‌نواز و دلفریب و کوشک‌هایی که به سبک معماری اصیل ایرانی ساخته می‌شود و به آن‌ها «کلاه‌فرنگی» می‌گویند، نشستن در هوای آزاد را واقعاً دلپذیر می‌سازد (بروگش، ۱۳۷۴: ۸۲-۸۱).

در ایران هر جا جوی آبی وجود داشته باشد، زمینش را کشاورزان و یا باغبانان در اندک مدتی تبدیل به باغ و بوستان و کشتزار غله و یا سبزی‌کاری می‌کنند که حتی تماشای‌شان هم بیننده را مسحور می‌سازد. «آب» در سرزمین ایران نیروی واقعاً معجزه‌گری دارد. در باغ‌های ایران، انواع و اقسام رزهای رنگارنگ را پرورش می‌دهند که هریک دارای نام به خصوصی است. بهترین گردشگاه‌های تهران، باغ‌های سبز و خرمی است که در دامنه کوه‌های البرز، احداث شده است. منظره این گردشگاه‌ها از دور هم فوق‌العاده فرحبخش است. راهی که از تهران به آنجا می‌رود خاکی است و بعد از یک ساعت یا یک ساعت‌ونیم به قصر قاجار می‌رسد، از آنجا به بعد شیب راه تندتر می‌شود و سرانجام به پای کوه ختم می‌گردد. البته چندصد متر آخر را غالباً باید از کالسکه پایین آمده و راه را پیاده طی کرد. به این بیلاقات شمیران یا به قول بعضی از ایرانیان شمیرانات می‌گویند. شاه هم در شمیران و در اطراف شهر قصرهای متعددی بنا کرده است و تابستان (از اواخر ماه مه تا اوایل اکتبر) اغلب اوقات خود را در آن‌ها می‌گذراند. معروف‌ترین این قصرها، عشرت‌آباد، قصر قاجار، قصر فیروزه، سلطنت‌آباد، صاحبقرانیه، نیاوران، قصر یاقوت و سرخه‌حصار است (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۰۸). درجایی دیگر می‌نویسد: «علاوه‌براین‌ها گل‌های دیگری نظیر کوکب و لاله، سوسن و سنبل، نرگس، قرنفل، یاسمن، بنفشه و ریحان زینت‌بخش باغ‌ها و باغچه‌های منازل ایرانیان است» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۱۰).

در مورد قصر یا عمارت «دوشان‌تپه» می‌گوید: «در شرق تهران واقع است و فاصله‌اش از شهر زیاد نیست. به دستور شاه فعلی این عمارت را چند سال پیش بالای تپه مخروطی‌شکلی ساخته‌اند. این قصر مشرف بر باغ وسیعی است که پایین آن احداث شده و به‌وسیله راه مارپیچی که از تپه بالا می‌رود به آن متصل می‌شود (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۱۱). همچنین در مورد باغ گلستان می‌نویسد: «شکوه و جلال و عظمت و زیبایی باغ اصلی بی‌نظیر بود و من باید یک شاعر ایرانی باشم تا بتوانم انبوه گل‌های رنگارنگ و حوض‌ها، فواره‌ها و جویبارها و تصاویر

کاشی‌های دیوارهای حیاط آن را که نقش سربازان و زنان ایرانی بود توصیف کنم. مقابل خود، ساختمان مجللی را از سنگ‌های الوان و چوب مشاهده کردم که در بزرگی داشت و پله‌هایی به تالار باشکوه آن منتهی می‌شد. کاخ گلستان که در محوطه ارگ واقع شده، فوق‌العاده دیدنی است. در جلوی کاخ، باغی قرار دارد که به وسیله «قنات شاه» مشروب می‌شود، این باغ با درختان کهنسال و سربه‌فلک‌کشیده (بیشتر چنار و سرو)، نهرها، جویبارها و آب‌نماهای متعدد، از لطف و زیبایی خاصی برخوردار است. خیابان‌های مشجر باغ را با سنگ‌های چهارگوش مفروش کرده‌اند، آب در جوی‌هایی که با کاشی‌های لعابی خوش‌رنگ پوشانده شده، جریان دارد» (بروگش، ۱۸۵۹: ۱۶۴). همچنین در مورد باغ محل اقامت‌شان می‌نویسد: «این باغ بسیار زیبا مملو از گل‌های رنگارنگ، مخصوصاً بوته‌های گل سرخ بود و چند طاووس سفیدرنگ در خیابان‌های آن برای خود گردش می‌کردند، در وسط باغ یک ساختمان بیلاقی و کلاه‌فرنگی قرار داشت. داخل کلاه فرنگی مانند صلیب بود یعنی در راهروی عریض و دو دهلیز عمودبرهم آن رابه چهار قسمت تقسیم می‌کردند و محل تقاطع این دو دهلیز هم تالار بزرگی بود که سقفی گنبدی‌شکل داشت و تمام سقف از داخل دارای نقاشی‌ها و تصاویری از گل و گیاه بود. دیوارهای تالار نیز با نقاشی‌هایی از رقصه‌های در حال رقص تزیین شده بودند» (حسن بیگی، ۱۳۷۷).

استوارت انگلیسی<sup>۱</sup> در سال ۱۲۶۴-۱۲۶۰ ش / ۱۸۸۱-۱۸۸۵م خیابان‌ها و بازار تهران را با تبریز و خوی مقایسه کرد: «خیابان‌های تهران کم‌عرض هستند و از خیابان‌های تبریز، گودال و چاله بیشتر دارند. بازارهای تهران با بازارهای خوی - که به نظر استوارت زیباترین بازارهای ایران است - قابل مقایسه نیستند. در بعضی جاها پله‌هایی دیدم که به زیرزمین سرازیر می‌شد و به محوطه‌ای، که در وسط آن حوض کاشی و بادگیر داشت، منتهی می‌شد. در خیابان‌های شهر، درختان فرح‌بخش یک‌اندازه و هم‌شکل در دو طرف صف کشیده‌اند و گویی شهر همچون باغ است» (استوارت، ۱۳۸۶).

یکی از سیاحان خارجی که در زمان ناصری سال ۱۲۵۹ش/۱۸۸۰م از تهران دیدن کرده، مارسل دیولافوا و همسرش بودند که بعدها مشاهدات‌شان را در پاریس به چاپ رساندند و به سفرنامه مادام دیولافوا نام گرفت. وی می‌نویسد: «به خرابه‌های شهر ری رسیدیم و چون

1 Stewart, Charles Edward

می‌دانستیم که دروازه‌های تهران شب‌ها بسته است، در باغ باصفایی که در آن حوالی بود، توقف کردیم. روز بعد ساعت هفت صبح، فرمان حرکت دادم و کمی بعد به دروازه تهران رسیدیم که در بالای آن، کاشی‌های نقاشی‌شده با رنگ‌های جلف و زنده، جنگ‌های رستم زال با دیوان شاخ‌دار و دم‌دار را نمایش می‌دادند. راستی چنین دروازه‌ای برای پایتختی مانند تهران که چند سالی است جمعیت آن روبه‌افزایش گذاشته و اهمیتی پیدا کرده، شایسته نیست. به هر حال، داخل دروازه شده، از مقابل گمرک‌چیان عبور کردیم و راه محله اروپاییان را پیش گرفتیم. اکنون ناچار بودیم از بازارهای طولانی عبور کنیم؛ بازارهایی که عرض آن بیش از چهارمتر نیست و در میان آن‌ها هم در هر قسمت آن، چاله‌هایی هست. وقتی که در شبکه‌های اعیان یا نمایندگان دیپلماسی از بازار تنگ می‌خواهند عبور کنند، راه برای سواران و پیادگان خطرناک است. پس از خروج از پایتخت از دیوارهای خرابه شهر ری قدیم که در پایه جبال البرز واقع شده عبور کردیم. در شمال شهر ری باغ‌های زیادی با دیوارهای گلی دیده می‌شود. در تابستان اندرون اشخاص بزرگ و اعیان در این باغ‌ها منزل می‌کنند و نظربه‌اینکه این باغ‌ها نزدیک مقبره شاه‌عبدالعظیم واقع شده‌اند، برای زنان مطلوب هستند. گنبد طلائی این مقبره از دور درخشندگی خاصی دارد و درختان کهن چنار و نارون در اطراف آن سربه‌آسمان کشیده‌اند» (دیولافوا، ۱۳۷۱، ۱۴۶). وی در مورد باغ‌های تجریش تهران می‌نویسد: «در اطراف تجریش باغ‌ها و عمارات زیادی وجود دارد. یکی از آن‌ها باغ فردوس است که به داماد شاه تعلق دارد. در وسط این باغ بزرگ که پر از چنارهای قطور و بلند است، قصر ناتمامی دیده می‌شود که در شرف خراب‌شدن است» (همان، ۱۶۹). «چنارهای باغ فردوس به بلندی و قطوری چنارهای باغ‌های دولتی که در شهر دیدیم نیستند، ولی در مسجد تجریش چنار عجیب و غریبی است که کمتر نظیر آن در دنیا پیدا می‌شود. قطر فوق‌العاده آن را نمی‌توان دقیقاً با رقم معین کرد. تقریباً محیط آن به پانزده‌متر می‌رسد. هریک از شاخه‌های آن مانند تنه درخت کهن‌سالی در بالای بنای مسجد و اطراف سر به آسمان کشیده است. این درخت عده کثیری را در سایه خود پناه می‌دهد. مؤمنین در زیر آن نماز می‌خوانند. مکتب‌دار اطفال را در آنجا جمع کرده و درس می‌دهد» (همان: ۱۷۱).





تصویر شماره ۷: تصویر سمت راست: کاخ نایب‌السلطنه ترسیم شده در سفرنامه دیولافوا.  
مأخذ: (دیولافوا، ۱۳۷۱، ۱۷۶)، تصویر سمت چپ: چنارهای بزرگ تجریش، ترسیم شده در سفرنامه  
دیولافوا. مأخذ: (همان، ۱۷۰)

اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۵۵ ش / ۱۸۷۶ م درباره عمارت خروجی می‌نویسد: «عمارت و باغ مخصوص همایونی است که در حقیقت بیست سال است متصل در آن کار می‌شود و این باغ بزرگ را یک عمارت طولانی دورو از وسط به دو قسمت کرده که به همدیگر از زیر این عمارت یعنی درهای عالی و حوض‌خانه‌های مزین راه دارند و در این عمارت طولانی، تالار آینه گلستان واقع است که کلاً آینه و چهار ستون دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۲۵۵).

توصیف اورسل در سال ۱۲۶۰ ش / ۱۸۸۲ م درباره کاخ گلستان بدین شرح است: «محل سکونت شاه «ارگ» نامیده می‌شود. ... در واقع یک شهر مخصوصی را دربرمی‌گیرد که به وسیله دیوار سرتاسری محصور شده است. امروزه خندق [اطراف کاخ] پر شده و توپ‌ها را به قورخانه منتقل کرده‌اند... این مقر سلطنتی میان بازار و توپخانه قرار دارد و دارای کاخ‌های متعددی است که شاه به‌تناوب در یکی از آن‌ها سکونت می‌کند... محل اقامت شاهزاده‌ها و خاندان سلطنتی، بعضی وزارتخانه‌ها، دارالفنون، حتی در قسمت غربی، اداره تلگرافخانه مرکزی و در قسمت شرقی، سفارتخانه روس در محوطه ارگ قرار دارند» (اورسل، ۱۳۵۳).

ادوارد گرانویل براون در سال ۱۲۶۷ ش / ۱۸۸۸ م می‌نویسد که این عمارت دارای سفیدی خیره‌کننده‌ای بود ولی بی‌شک فعلاً چنان وصفی را ندارد، زیرا گچ‌کاری آن ریخته و دیوار چینه‌ای قهوه‌ای رنگش نمایان شده است» (براون، ۱۳۸۱). مقصود او قصر دوشان‌تپه می‌باشد.

در سفرنامه کرزن ۱۲۶۸ ش / ۱۸۸۹م و فووریه آمده است: «باغ گلستان، باغی است که عمارت‌های یاد شده در اطراف آن ساخته شده‌اند و با عمارت خروجی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شده است. این باغ پس از تخریب عمارت خروجی به صورت یکپارچه و چهارگوش درآمد. این باغ دارای استخرها و حوض‌های متعدد بوده است (کرزن، ۱۳۴۹: ۴۲۸)، (فووریه، ۱۳۶۲: ۱۰۹-۱۱۰).

### محمدعلی شاه (۱۲۸۸-۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۹-۱۹۰۷ م)

یکی از اتباع روسیه در زمان حکومت محمدعلی شاه به نام مادام وولفسن ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م در کتابی با عنوان *ایرانیان در گذشته و حال* مطالبی پیرامون تهران آن عصر بیان می‌دارد: «اگر برحسب تصادف وارد تهران شوید، از مشاهده منظره کنونی پایتخت شاهنشاهی ایران به حیرت خواهید افتاد. با اینکه مسافر تقریباً نصف تهران را عبور کرده تازه از سورچی می‌پرسد: پس کی به تهران می‌رسیم؟ پس از اینکه یک سلسله دالان‌های پهن و باریک و دراز و کوتاه بدون سقف را طی کردید، وارد یک میدان نسبتاً وسیع می‌شوید. این میدان توپخانه و میدان اصلی و عمده شهر تهران است. در گوشه‌ای هم قصر سلطنتی و شاهنشاهی ایران واقع شده. از پشت دیوارهای بسیار بلند که مقر اقامت شاهنشاه ایران را محصور داشته، قسمت فوقانی قصر نمایان است که با میله‌های باریک و الوان و کاشیکاری مزین شده است. عمارت و ساختمان قصر چندان تازگی ندارد و مثل خانه‌ها و منازل معمولی اعیان و متمولین به دو قسمت تقسیم می‌شد: پذیرایی (بیرونی) و فضاها (اندرونی) (وولفسن، ۱۳۰۹). پس از این دگرگونی‌ها نیز سیمای ظاهری تهران نمی‌توانست بازدیدکنندگان اروپایی را جذب کند. برجسته‌ترین بنای پایتخت، مسجد سپهسالار بود که ساخت آن در سال ۱۲۶۹ خورشیدی به پایان رسید. با این همه، ساختمان عمومی زیبایی وجود نداشت و زیبایی اصلی شهر در خانه‌های شخصی بزرگ و باغ‌های آن‌ها خلاصه می‌شد» (همان).

### احمدشاه (۱۳۰۴-۱۲۸۸ ش / ۱۹۲۵-۱۹۰۹ م)

ویتا سکویل وست<sup>۱</sup> که مدت‌ها پیش از مسئولیت سیاسی رسمی همسرش «هرولد نیکلسون» به عنوان کنسول سفارت انگلستان در تهران، به ایران سفر کرده بود، از مشاهدات سفرش به

1 Sackville-West

ایران در سال ۱۲۹۵ش / ۱۹۱۶ م این گونه می‌نویسد: «باغی که محل تابستانی سفارت انگلیس در قلعهک می‌باشد، مکانی بسیار خنک و دل‌نشین است و پر از استخرهای شنائی است که آب یخ آن از همان کوه‌های پربرف می‌آید و درختان سپیدار و چنار پرسایه و خوش‌منظره‌ای دارد و در حقیقت نمونه کاملی است از باغی که باید در این آب‌وهوا و مکان ساخت. دهکده‌های شمیران و تجریش در دامنه البرز پر از باغ است که آن‌طور که به‌خاطر دارم در زمان مسافرت من نسبتاً متروک بودند. باغی به نام ولی آباد به یاد دارم که همان عمارت همیشگی کلاه‌فرنگی را داشت و عکس آن به ضمیمه عکس درختان باریک و بلند آن در استخر منعکس بود، منظره این درختان و سفیدی پوست آنان چنان بود که گوئی متعلق به شمال روسیه یا فنلاند بود، نه ایران یا آسیای مرکزی» (سکوئل وست، ۱۳۳۶: ۴۳۵). همچنین در مورد دوشان‌تپه می‌نویسد: «بر روی تپه‌ای که در سمت شرقی دشت تهران گوئی ناگهان از زمین روئیده است، ساختمان کوچک مشخصی که برای شکارگاه ساخته شده و موسوم به دوشان‌تپه (یعنی تپه خرگوش) است جلب نظر می‌کند.» «در این باغ وحش درندگانی بودند که به تصور نمی‌آید، از قبیل شیرهای یال‌دار افریقائی، با تنه عظیم و منظره وحشتناک و چشمان درخشانی که نگاه کردن به آن زهره را آب می‌کرد. خیلی دلمان می‌خواست بایستیم و مدت‌ها این شیر را تماشا کنیم، ولی بر اثر فشار جمعیت تماشاچیان ممکن نشد. چون تماشای این حیوانات برای مردم برلن خیلی عادی شده بود، بنابراین چنین تصور می‌رود جمعیتی که ناصرالدین‌شاه از آن سخن می‌گوید برای تماشای شیرهای یال‌دار افریقایی نیامده بودند، بلکه برای دیدن پادشاه سیلوی یک کشور افسانه‌ای آسیا گرد آمده بودند» (همان: ۴۳۶).

## بحث

در این مقاله، هفده سفرنامه مطرح در دوره قاجار مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. در جدول زیر، واکاوی روایت از نظرگاه راویان به مفهوم «باغ در دوره قاجار» در تهران در ادوار مختلف به ترتیب آورده شده است. باغی که بیشتر از همه مورد تأکید در سفرنامه‌ها قرار گرفته است، باغ گلستان می‌باشد. دلیل تأکید بیشمار بر این باغ، قرارگیری آن در ارگ حکومتی می‌باشد. یکی از عناصر حکومتی این زمان را می‌توان قصرهای پادشاهان قاجار دانست. به دلیل آنکه قاجاریه اصولاً طایفه‌ای چادر نشین بوده، بیلاق و قشلاق جزئی از آداب زندگی آنان محسوب می‌شد.

لذا در مناطق بیلاقی اطراف تهران به‌خصوص شمیرانات باغ‌های بزرگ و کاخ‌هایی برای زندگی آنان در فصول گرم سال احداث گردیده است. برخی از این کاخ‌های بیلاقی در فصل گرمای تهران به مقر سیاسی حکومتی نیز تبدیل می‌شده است (حمیدی، سیروسی شبیری، ۱۳۹۶: ۹۳).



تصویر شماره ۸: قرارگیری ارگ حمومتی در شهر تهران در دوره قاجار (حمیدی، سیروسی شبیری،

۱۳۹۶: ۹۳)

(ارگ) در دوره قاجاریه بعد از تعمیرات مکرر توسط امرا و پادشاهان مختلف به ویژه امیرکبیر دارای راه شوسه شده و عماراتی به آن اضافه می‌شود تا خصوصیات یک مرکز سیاسی حکومتی را به نحو مناسب‌تری دارا گردد. نکته مهم در این زمان موقعیت قرارگیری کاربری اصلی حکومتی (ارگ) در محدوده استخوان‌بندی اصلی شهر است: زیرا در رأس مثلث سه‌گانه عناصر اصلی شهر مذهب، حکومت - بازار واقع می‌شود. این ترکیب مثال کاملی از الگوی شهر سنتی ایران است. بدین ترتیب هسته اصلی بخش حکومتی و سیاسی شهر، ارگ بوده و فضاهای مرتبط با آن به صورت مستقل ایجاد می‌شود (حمیدی، سیروسی شبیری، ۱۳۹۶: ۹۳).

جستاری روایت پژوهانه پیرامون باغ ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها ...

جدول شماره ۴: واکاوی روایت از نظرگاه راویان به مفهوم «باغ در دوره قاجار» در تهران. مأخذ: نگارندگان

دوره سلطنت	راوی	واکاوی روایت
در بدو ورود به دوره قاجار ۱۱۷۶-۹۹۸ ش / ۱۶۱۹ م	پیتر و دلاواله ۹۹۸ ش / ۱۶۱۹ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>باغ‌های بسیار بزرگ، دوسوم مساحت تهران</li> <li>دارای درخت‌های چنار پربرگ، تنومند و قطور (به اندازه بغل سه نفر انسان)</li> <li>آبیاری باغ‌ها با نهرهای پهن و باریک و کوتاه و طویل</li> </ul>
۱۶۱۹ م-۱۷۹۷ م	هربرت ۱۰۰۶ ش / ۱۶۲۷ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>مساحت باغ گلستان قابل مقایسه با مساحت تهران</li> </ul>
آغامحمدخان قاجار ۱۱۷۶-۱۱۷۵ ش / ۱۷۹۶-۱۷۹۷ م	اولیویه ۱۱۷۶ ش / ۱۷۹۷ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>یک چهارم مساحت تهران کاخ و باغ</li> <li>ارگ شاه و عمارت در باغ پر از گل و با آب‌های فراوان</li> </ul>
فتحعلی‌شاه قاجار ۱۲۱۳-۱۱۷۶ ش / ۱۸۳۴-۱۷۹۷ م	پیر آمده ژوبر ۱۱۵۴ ش / ۱۷۷۶ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>ساختمان‌های قصر قاجار در باغ، با زینت‌های باشکوهی آرایش یافته و اسلیمی‌هایی با ظرافت نقاشی</li> <li>احاطه باغ با یک پرچین خیلی کلفت و دیوارهای آجری</li> <li>درخت‌ها یا درختچه‌های پر از گل</li> <li>خیابان‌های کوچک زیبایی چنار با بته‌های گل سرخ و یاس و چمپا ماریچ و ار</li> <li>حوض‌های بزرگ مرمر آراسته‌شده و فواره‌ها</li> <li>چنار، نارون، بامردختی و گل صد تومانی درهم و برهم کاشته شده</li> <li>آبیاری گیاهان با جویبارهایی با جوی‌های روان</li> <li>وجود بسیاری پرندگان در قفس‌ها</li> <li>گل‌هایی مانند لاله، نرگس، گل شقایق نعمانی، میخک و گل‌های گوناگون</li> <li>یک کوشک در باغ با مصالح چوب و رنگهای خیلی تند نقاشی شده</li> <li>احاطه کوشک با درختان صنوبر خرم</li> </ul>
	ارنست ژوبر ۱۱۸۵ ش / ۱۸۰۶ م	کاخ‌ها و باغ‌های شاه خیلی وسیع
	جرج کپل ۱۲۰۳ ش / ۱۸۲۴ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>وجود میدانی بزرگ در دروازه کاخ و باغ شاهی</li> <li>قرارگیری توپ‌های متعددی در اندازه‌های مختلف در وسط میدان و بالای هر چهار دروازه تصاویر بزرگ و عجیب</li> </ul>
محمدشاه ۱۲۱۳-۱۲۶۴ ش / ۱۸۴۷-۱۸۳۴ م	فلاندن ۱۲۱۹ ش / ۱۸۴۰ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>وجود کاخ (کوشک) در باغ</li> <li>زندگی شاه، درباریان و محافظانش</li> <li>وجود چندین بنا یا کلاه‌فرنگی و باغی بزرگ با درخت و حوض درون قصر، شبیه به بهشت با نام استعاری درب سعادت</li> <li>وجود باغ‌های متعدد با درختان بلند قامت</li> <li>احداث قصری توسط شاه جهت تابستان در یک فرسخی تهران با نام قصر قجر یا تخت قجر</li> <li>ویژگی قصر قجر: مساحت بزرگ، باغهایی برای آفمی تئاتر و چندین طبقه مهتابی با پلکان‌های متعدد برای جداسازی قصر از پارک</li> </ul>
ناصرالدین‌شاه ۱۲۷۵-۱۲۲۷ ش / ۱۸۹۶-۱۸۴۸ م	هانری بندر ۱۲۲۷ ش / ۱۸۴۸ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>باغ شاهی: دارای چندین حیاط آجر فرش مزین به اشجار و گل‌های رنگارنگ، حوضهای بزرگ و فواره‌های متعدد</li> <li>باغ عشرت آباد: اشجار مرغوب و انهار خوب و حوض‌های مملو از آب، چند شیر و ببر قیمتی در اطاق‌های مخصوص در این باغ، در گذشته محل نگهداری کرگدن</li> </ul>

ادامه جدول شماره ۴: واکاوی روایت از نگاه راویان به مفهوم «باغ در دوره قاجار» در تهران. مأخذ:

نگارندگان

دوره سلطنت	راوی	واکاوی روایت
	کنت دوگوبینو ۱۲۳۷-۱۲۳۴ ش / ۱۸۵۸-۱۸۵۵ م	<p>■ باغ اقامت: ساختمان ساخته شده از خشت، وسط آن حوضی به شکل T، در دو ردیف چنار و باغچه‌هایی پرگل و درخت، کف حیاط با آجرهای مربع بزرگ فرش شده. قرارگیری عمارت اصلی، تالار در قسمت علیای حیاط با سه پنجره به سبک اروپایی رو به حیاط. در دو سوی آن دو کلاه فرنگی با مقرنس تزئین کاری‌های با سلیقه ایرانی تزئین شده، دارای ایوان‌های وسیع با کف خاکی دور تا دور یک حیاط مجزا با باغچه‌های بزرگ پرگل و بدون درخت.</p> <p>■ باغ شاه: باغی مملو از درختان چنار و گل و استخری با آب جاری، چند حیاط و دهلیز، ساختمان‌های دو یا سه طبقه کاخ گردگرد باغ با یک سری نقاشی به اندازه طبیعی تزئین شده: سربازان دولتی را با اونیفورم‌های صورتی و اسلحه‌به‌دوش و خنده بر لب.</p>
	بروگش ۱۲۳۹ ش / ۱۸۶۰ م	<p>■ احداث باغ‌ها و بولوارهای جدید و امکان گردش در زیر سایه درختان پرشاخ و برگ</p> <p>■ چنار: بیشترین درخت در تهران، با تنه قطور و بلند و شاخه‌های پیچ در پیچ و برگ‌های زمردین، سایه مطبوع</p> <p>■ باغ‌های ایران: دارای حوض‌های بزرگ پر از ماهی‌های قرمز و طلائی، دارای فواره‌ای در وسط، آبشارهای مصنوعی و جوی‌های عریض، کاشی‌های پر نقش و نگار، کوشک‌هایی به سبک معماری اصیل ایرانی (کلاه‌فرنگی)، درختکاری‌ها و گلکاری‌های چشم‌نواز و دلفریب، گل‌های دیگری نظیر کوبک و لاله، سوسن و سنبل، نرگس، قرنفل، یاسمن، بنفشه و ریحان</p> <p>■ باغ گلستان: شکوه و جلال و عظمت و زیبایی باغ، باغ دارای گل‌های رنگارنگ و حوض‌ها، فواره‌ها و جویبارها و تصاویر کاشی‌های دیوارهای حیاط با نقش سربازان و زنان ایرانی، ساختمان مجللی (کوشک) مزین به سنگ‌های الوان و چوب، دارای در بزرگ و پله‌های باشکوه تالار</p> <p>■ باغ محل اقامت: باغ بسیار زیبا مملو از گل‌های رنگارنگ، مخصوصا بوته‌های گل سرخ، وجود چند طاووس سفید رنگ در خیابان‌های باغ، وجود یک ساختمان بیلابقی و کلاه‌فرنگی در وسط باغ، داخل کلاه‌فرنگی: صلیب مانند، تالار بزرگ با سقفی گنبدی شکل و دارای نقاشی‌ها و تصاویری از گل و گیاه و دیوارهایی مزین به نقاشی‌هایی از رقاصه‌های در حال رقص</p> <p>■ قصر یا عمارت دوشان‌تپه: واقع در شرق تهران، مشرف بر باغی وسیع و به‌طور ماریچی متصل به آن</p>
	اعتماد السلطنه ۱۲۵۵ ش / ۱۸۷۶ م	<p>■ تقسیم باغ گلستان از وسط به دو قسمت توسط عمارت خروجی</p> <p>■ مرتبط بودن فضاها از زیر به یکدیگر از زیر این عمارت</p> <p>■ قرارگیری تالار آینه گلستان در عمارت: متشکل از آینه و چهار ستون</p>
	استوارت ۱۲۶۰ ش / ۱۸۸۱ م	<p>■ وجود درختان فرخ‌بخش یک‌اندازه و هم‌شکل در دو طرف در خیابان‌های تهران</p> <p>■ تهران همچون باغ</p>
	اورسل ۱۲۶۰ ش / ۱۸۸۲ م	<p>■ محل سکونت شاه (ارگ) (باغ گلستان) مانند یک شهر مخصوصی</p> <p>■ محصور شدن باغ در ارگ تهران به وسیله دیوار سرتاسری</p> <p>■ قرارگیری باغ میان بازار و توپخانه</p> <p>■ باغ / کاخ گلستان دارای کاخ‌های متعدد: جهت سکونت شاه به تناوب</p>

ادامه جدول شماره ۴: واکاوی روایت از نظرگاه راویان به مفهوم «باغ در دوره قاجار» در تهران. مأخذ:

نگارندگان

دوره سلطنت	راوی	واکاوی روایت
	براون ۱۲۶۷ ش / ۱۸۸۸ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ عمارت دوشان‌تپه: دارای سفیدی خیره‌کننده، در حال تخریب، ریخته‌شدن گچ‌کاری آن و نمایان‌شدن دیوار چینه‌ای قهوه‌ای‌رنگ</li> </ul>
	کرزن ۱۲۶۸ ش / ۱۸۸۹ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ باغ گلستان باغی مربعی شکل با استخرها و حوض‌های متعدد</li> <li>■ وجود عمارت‌های یادشده در اطراف آن</li> <li>■ تقسیم آن به دو بخش شمالی و جنوبی با عمارت خروجی</li> </ul>
محمدعلی شاه ۱۲۸۸-۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۹-۱۹۰۷ م	مادام وولفسن ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ مزین‌شده قصر شاهی نمایان با میله‌های باریک و الوان و کاشیکاری</li> <li>■ تقسیم عمارت و ساختمان قصر به دو قسمت: پذیرایی (بیرونی) و فضاهای اندرونی، مثل خانه‌ها و منازل معمولی اعیان و متمولین.</li> <li>■ زیبایی اصلی تهران: در خانه‌های شخصی بزرگ و باغ‌های آنها</li> </ul>
احمدشاه ۱۳۰۴-۱۲۸۸ ش / ۱۹۲۵-۱۹۰۹ م	ویتا سکویل وست ۱۲۹۵ ش / ۱۹۱۶ م	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ باغ محل تابستانی سفارت انگلیس در قلعهک: مکانی بسیار خنک و دل‌نشین، پر از استخرهای شنا، درختان سفیدار و چنار پرسایه و خوش‌منظره</li> <li>■ باغ ولی آباد: دارای عمارت کلاه‌فرنگی، انعکاس تصاویر درختان باریک و بلند در استخر</li> <li>■ باغ دوشان‌تپه: در تپه‌ای در سمت شرقی دشت تهران، گویی ناگهان از زمین روئیده، دارای کوشک مشخصی برای شکارگاه، وجود درندگانی از قبیل شیرهای بالدار افریقائی، با تنه عظیم و منظره وحشتناک و چشمان درخشانی در این باغ.</li> </ul>

نتیجه‌گیری

واکاوی این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه اغلب سفرنامه‌نویسان در مورد مفهوم "باغ" را می‌توان در سه صورت روایت‌گری دسته‌بندی کرد: «روایت باغ‌های اقامتی»، «روایت باغ‌های حکومتی» و «روایت باغ‌های تفرجگاهی».

- بیشترین اسناد تاریخی-روایی مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه قاجار است و از دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه، سفرنامه‌ای یافت نشد.
- آنچه در بیان همه روایت‌ها مشترک است، اهمیت باغ در این دوره تاریخی است، چرا که اکثر متون و سفرنامه‌ها بر این امر تأکید دارند که حدود دوسوم مساحت شهر تهران در دوره قاجار را باغ‌های بسیار بزرگ تشکیل داده بود.
- شاهان قاجار، ارگ و عمارت خود را در بهترین نقاط تهران و در مناطق خوش‌آب‌وهوا و در باغ‌های پر از گل و با آب‌های فراوان می‌ساختند.
- بیشترین درخت کاشته‌شده، درخت چنار با تنه قطور و بلند و شاخه‌های پیچ‌درپیچ و برگ‌های زمردین، و سایه مطبوع است.

- در دوره ناصرالدین‌شاه برای اولین بار در سفرنامه‌ها به ساخت حوضی به شکل T و عمارتی به سبک اروپایی روبه‌حیاط اشاره می‌شود.
- اشاره به عنصر آب، نهرها، جویبارها و فواره در همه باغ‌های تهران در روایت‌ها دیده می‌شود و جزء لاینفک باغ جهت آبیاری و خرمی بوده است.
- در سفرنامه‌ها برای نخستین بار در دوره ناصرالدین‌شاه از وجود حیوانات وحشی و تبدیل باغ به «باغ وحش» روایت می‌شود. در باغ عشرت آباد، چند شیر و ببر قیمتی در اتاق‌های مخصوص که در گذشته محل نگهداری کرگدن بوده‌اند، نگهداری می‌شده است. سپس در دوران احمدشاه، علاقه به باغ وحش تداوم می‌یابد. باغ دوشان‌تپه که در تپه‌ای در سمت شرقی دشت تهران، گوئی ناگهان از زمین روئیده، دارای کوشک مشخصی برای شکارگاه بوده، و وجود درندگانی از قبیل شیرهای بالدار آفریقایی، با تنه عظیم و منظره‌ای وحشتناک و چشمان درخشانی در این باغ روایت شده است.
- بیشترین تأکید سفرنامه‌ها بر باغ گلستان بوده است. باغ گلستان به‌عنوان باغ حکومتی در همه دوران قاجار مورد توجه سیاحان بوده و در ادوار مختلف، توسعه یافته است. اما بیشترین توسعه مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه است.

## منابع

۱. آبروی، آرتور جان، (۱۳۳۶)، میراث ایران/ تألیف سیزده تن از خاورشناسان زیر نظر آرتور جان آبروی، مترجمان احمد بیرشک... [و دیگران]، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲. آلبوم‌های کاخ گلستان.
۳. استوارت، چارلز ادوارد (۱۳۸۶)، مأموریت سری با لباس مبدل (سفرنامه کلنل استوارت به شمال خراسان در زمان حمله روسیه به خانات آسیای میانه)، ترجمه و ویرایش علی کریمیان، چاپ اول، تهران: علی کریمیان.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۲۹۴ ه.ق)، روزنامه ایران، شماره ۳۱۸.
۵. اورسل، ارنست، (۱۳۵۳)، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
۶. اولیویه، گیوم آنتوان، (۱۳۷۱)، سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه، ترجمه محمدطاهر میرزا و تصحیح دکتر غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات اطلاعات.



۷. براون، ادوارد گرانویل، (۱۳۸۱)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: اختران.
۸. بروگش، هنریش، (۱۳۸۹)، سفرنامه ایلچی پروس در ایران: سفرنامه‌ای به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۵۹-۱۸۹۱)، ترجمه حسین کردبچه، چاپ سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۹. بروگش، هنریش، (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب: دومین سفرنامه هنریش بروگش، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
۱۰. بندر، هانری، (۱۲۸۱)، سیاحت نامه هانری بندر [نسخه خطی]، ترجمه محمود طبیب، تهران: تدوین و گردآوری مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.
۱۱. حسن بیگی، محمدرضا، (۱۳۷۷) تهران قدیم، تهران: نشر منصوری.
۱۲. حمیدی، ملیحه، سیروسی شبیری، رضا، (۱۳۹۶)، استخوان بندی شهر تهران، شناخت وضع موجود (جلد دوم)، تهران: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
۱۳. خرم‌روئی، ریحانه و امین ماهان، (۲۰۲۰)، «باغ ایرانی به مثابه رسانه‌ای تعاملی»، مجله علمی منظر، ۱۲(۵۱)، صص ۱۶-۲۳.
۱۴. دلاواله، پیترو، (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله: قسمت مربوط به ایران، ترجمه و شرح و حواشی از شعاع‌الدین شفا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. دیولافوا، ژان، (۱۳۷۱)، ایران: کلاه و شوش، ترجمه علی‌محمد فره‌وشی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. ذکا، یحیی، (۱۳۴۹)، تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۷. ژوبر، پیر آمده، (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان ایران با انضمام جزوه ای درباره گیلان و مازندران، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۱۸. شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۸۴)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: زریاب.
۱۹. عاقلی، باقر، (۱۳۸۰)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم.
۲۰. فلاندن، اوژن، (۱۳۵۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی.

۲۱. فوریه، ژان باتیست، (۱۳۶۲)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، به کوشش همایون شهیدی، تهران: نوین.
۲۲. قبادیان، وحید، (۱۳۸۳)، معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، چاپ اول، تهران: نشرپشتون.
۲۳. کاتب، مجید، (۱۳۴۷)، «تهران و ابنیه تاریخی آن»، نشریه بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۳: ۱۴۲-۲۰۹.
۲۴. کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. کسروی، احمد، (۱۳۹۰)، تاریخ مشروطه ایران، جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۶. گلشن، صدیقه، (۱۳۷۴)، «گلستان باغ گلستان (ارگ تاریخی تهران)»؛ در: مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷. گوینو، ژوزف آرتور، (۱۳۸۳)، سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
۲۸. گونسالس د کلاویخو، روی، (۱۳۸۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۹. معیرالممالک، دوستعلی خان، (۱۳۶۴)، زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳۰. نجمی، ناصر، (۱۳۶۸)، تهران در یکصد سال پیش، تهران: نشر ازغوان.
۳۱. نوردن، هرمان، (۱۳۵۶)، زیر آسمان ایران، ترجمه سیمین بدیعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. نوروز برازجانی، ویدا، (۱۳۹۷)، روش‌شناسی پژوهش کیفی، تهران: نشر شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران.
۳۳. وولفسن، ا.س. (۱۳۰۹)، ایرانیان در گذشته و حال، ترجمه میرزا حسین خان انصاری، تهران: خاور.
34. Antoniadis A. (1992), Poetics of architecture: Theory of Design, New York, Van Nostrand Reinhold.
35. Creswell, John W. (2012), Educational Research: Planning. Conducting and Evaluating Quantitative and Qualitative Research, 4th edn, Pearson Education, Inc., Boston, MA.
36. Keppel, Hang Goerge. (1827), Travels in Bubytonia, Assyria, Media, London, Vol 2, Travels in.
37. King, P. (Ed.). (1986). Curzon's Persia. Sidgwick & Jackson.
38. N.McCloskey, D.(1992), Narration in Economic, University Of Chicago Press, 1992
39. Nash, C. (1990), Narrative in Culture: the Uses of Storytelling in the Sciences, Philosophy and Literature, Rutledge.
40. Polkinghorne, Donald E. (1995), 'Narrative Configuration in Qualitative Analysis', Qualitative Studies in Education, vol. 8, no. 2, pp.5-23
41. [www.golestan.ir](http://www.golestan.ir)